



پیام فدائی

مرکز برای امپریالیسم
و شکای زنجیریش

ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

بها: ۵۰ ریال

دی ۶۶ - ۲۸ صفحه

سال دوم شماره ۱۷

افزایش مدت زمان سربازی توطئه‌های جدید بر علیه جوانان

بیشک گذشت چند سالی از عمر ننگین رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و ادامه جنگ امپریالیستی کتونی بسیاری از واقعیات را برای توده‌های میهنمان و خلقهای زحمتکش آشکار نموده و با روشن شدن در صفحه ۸

شورای عالی جنگ طی بیانییه اخیر خود، با اضافه نمودن ۴ ماه به مدت خدمت سربازی و تبدیل مدت زمان خدمت نظام از ۲۴ ماه به ۲۸ ماه توطئه دیگری را بر علیه جوانان و زحمتکشان تدارک دیده است.

راه کارگزیر پوشش شعار چپه در صدد ائتلاف با چپه‌گسانی است؟ (قسمت سوم)

صفحه ۲۸

سرمقاله



فتوای خمینی و تشدید جدالهای درونی رژیم

سرانجام تشدید روز افزون تضادهای درونی هیئت حاکمه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، خمینی مزدور را مجبور نمود تا در انظار عمومی خامنه‌ای را سرزنش کرده و رسماً بر علیه او موضعگیری نماید، امری که در چهارچوب رژیم موجود بمفهوم تضعیف موضع خامنه‌ای و همفکرانش در شورای نگهبان در دعواهای درونی هیئت حاکمه تلقی شده و رئیس جمهور سرسپرده رژیم را وادار به اظهار ندامت علنی نمود. در صفحه ۲

گزیده‌هایی از راه‌یو صدای چریکها

بازگشت پناهندگان اخراجی از کابین شکست سازش
ننگین فرانسه و جمهوری اسلامی

زندانیان سیاسی آزاد باید گردند

جمهوری اسلامی در کنار اسرائیل بر علیه خلقهای منطقه
صفحه ۲۶

اسلامی و یورش ددمنشانه اش به جان و مال توده‌ها، در روزهای اخیر مردم این شهر شاهد درگیریهای وسیع و خونینی بین داورودسته‌های سرکوبگر رژیم بوده‌اند.

این درگیریها که بیس ارتش مزدور جمهوری اسلامی از در صفحه ۱۵

مقاومت مردم قهرمان پیرانشهر در مقابل رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و قائله مزدوران رژیم

طبق گزارشات دریافتی از پیرانشهر، مقارن با تشدید تلاشهای جنگ طلبانه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری

- گسزارشی از زندان "سنترال جیل" ۱۹
- شعر ۲۰
- گفته‌ها و نکته‌ها ۲۱
- مارکسیسم و انقلاب ۲۲
- چرا جنگ طولانی خواهد بود؟ ۲۳
- اخبار ۳۱
- روز شمار دیمه ۳۷
- شهدای دیمه
- چریکهای فدائی خلق ایران ۳۷

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

فتوای خمینی و تشدید جدالهای درونی رژیم

از صفحه ۱

پس از تصویب قانون کار (۳) و مخالفت‌های کسبه سرمایه‌داران "بخش خصوصی" با این قانون ابراز نمودند و پاسخ خمینی به نامه وزیر کار مبنی بر اینکه "دولت میتواند شروط الزامی را مقرر نماید" یعنی دولت در ارائه خدماتی چون سیستم بانکی و اداری، جاده و اسکله و آب و برق و تلفن میتواند کارگاه‌ها و موسسات اقتصادی مختلف را مکلف به رعایت از شروط و مقررات خود سازد، بار دیگر مسئله نقش و حدود اختیارات دولت در حیات اقتصادی و سیاسی جامعه به یکی از مباحث جنجال برانگیز درون هیئت حاکمه تبدیل گردید. در این فاصله نامه‌های متعددی که حاکی از اختلافات و رشد تضادهای حادی در درون هیئت حاکمه بود از جانب جناح‌های مختلف حکومت به خمینی نوشته شد و در رابطه با جواب‌های دریافتی طبق معمول هر جناحی کوشید تفسیر ویژه خود را از سخنان خمینی ارائه داده و بر مبنای تفسیر خود از این سخنان خواستار عمل بر اساس آن گردد.

در چارچوب همین مباحث بود که خامنه‌ای در توضیح پاسخ خمینی به نامه سرحدی زاده - وزیر کار - در نماز جمعه دیماه ضمن متهم کردن جناح مخالف خود به "نفهمی" اعلام نمود که: "امام که فرمودند دولت میتواند شرطی رو بر دوش کارفرما بگذارد، شرط الزامی آن هر شرطی نیست اون شرطی است در چارچوب احکام پذیرفته شده اسلام و نه فراتر از آن" این تفسیر از سخنان خمینی بطور روشنی اختیارات دولت در اعمال شروط خود بر سرمایه‌داران بخش خصوصی را

محدود ساخته و آنرا در چارچوب "احکام پذیرفته شده اسلام" که هرگزایشی میتواند بنا به منافع خود آن را تفسیر نماید مشروط میسازد. واضحست که خامنه‌ای با این سخنان نا رضایتی خود را از دست اندازیهایی بی حد و حصر دولت به کسبه سرمایه‌داران بخش خصوصی اعلام مینماید. او برای اختیارات دولت چارچوبی قائل میشود، که در زبان خودش "چارچوب احکام پذیرفته شده اسلام" نام دارد و به این ترتیب مخالفت خود را با این

که شرکت‌هایی که قبل از تصویب قانون مزبور فعالیت داشته و قراردادهای خود را منعقد ننموده اند شرعاً مکلف به تبعیت از این قانون نخواهند بود. برای مقابله با چنین گرایشاتی بود که وزیر کار به خمینی مژگین کردید و پاسخ خمینی به نامه او و سپس به نامه شورای نگهبان خود به وسیله‌ای برای دست اندازی‌های هر چه بیشتر دولت به حوزه‌هایی که مخالفین جایز نمیشدند تبدیل گردید.

* از آنجا که در ماده اول قانون کار آمده است: "کلیه کارفرمایان کارگاهها، موسسات تولیدی، صنعتی، خدماتی، کشاورزی که به هر نحو از امکانات دولتی مثل ارز، انرژی، مسواک اولیه و اعتبارات بانکی استفاده مینمایند مکلف به تبعیت از این قانون میباشند" عده‌ای از سرمایه‌داران این امر را غیر شرعی قلمداد نموده و عده‌ای نیز معتقد بودند

موتور رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

امر که دولت در اعمال هر امری که خود تشخیص میدهد (فرا تر از چارچوب احکام پذیرفته شده اسلام) مختار باشد، نشان میدهد، با توجه به این امر و درکی که بر مبنای آن خامنه ای در نماز جمعیه از سخنان خمینی ارائه داده، خمینی جنایتکار در پاسخ به نامه‌وی با مراعات تمام به لجن مالی رئیس جمهور رژیمش که تا دیروز از او بعنوان "شهید زنده" تجلیل میکردند، پرداخته و گفت: "از بیانات جناب عالی در نماز جمعیه اینطور ظاهر میشود که شما حکومت را که بمعنای ولایت مطلقه ای که از جانب خدا به نبی اکرم (ص) واگذار شده و اهم احکام الهی است و بر جمیع احکام فرعیه الهیه تقدم دارد صحیح نمیدانید و تعبیر به اینکه اینجانب گفته ام حکومت در چارچوب احکام الهی دارای اختیار است، بکلی بر خلاف گفته‌های اینجانب است."

به این ترتیب خمینی مزدور با ابراز مخالفت آشکار خود با خامنه ای و دارودسته اش در حالی که علنا به وجود تضادهای شدید بین سردمداران حکومت صحنه گذاشت بعنوان فردی در سیستم حکومتی بسوزروازی وابسته که ظاهرا فراتر از همه جناحها قرار داشته و همگان ملزم به اطاعت از وی میباشد، جانب جناحی که خواهد

تقویت دولت و بسط اختیارات آن میباشد را گرفته و بفتح آن جناح و بر علیه خامنه ای علنا سخن گفت. سپس دیکتاتور مفلوک جمهوری اسلامی بر شمردن پیامدهای عملی نظرات خامنه ای پرداخته و تاکید نمود که بر اساس دیدگاه خامنه ای قدرت و اختیارات دولت تا چه حدی محدود میگردد، خمینی گفت: "اشاره میکنم به پیامدهای آن که هیچکس نمیتواند ملتزم به آن باشد. مثلا خیابان کشیها که مستلزم تصرف درمنزلی است یا حریم آن است در چارچوب احکام فرعیه نیست، نظام وظیفه و اعزام الزامی به جبهه‌ها و جلوگیری از گرانفروشی، قیمت گذاری و جلوگیری از پخش مواد مخدر و منع از اعتیاد به هر نحو غیر از مشروبات الکلی و حمل اسلحه به هر نوع که باشد و صدها امثال آن که از اختیارات دولت است و بنابر تفسیر شما خارج است و صدها امثال اینها" بلکه خمینی مزدور متوجه این مسئله است که اگر بایده برای اختیارات دولت "چارچوب احکام الهی" قائل شد در شرایط وجود تضادهای حاد فیما بین دستجات مختلف حکومتی هم آیت الله‌ها و حجت الاسلام‌های رنگارنگ فرصت خواهند یافت تفسیر خود را در مورد مسائل مختلف جامعه ارائه داده و خواستار اجرای امور مطابق آن تفسیر باشند و این امر در

حالی که توده‌های مردم در مقابل جهت ناپودی سیستم امپریالیستی موجود و رژیم منفور جمهوری اسلامی از هیچ کوششی فروگذاری نکرده و هیچ فرصتی را برای مبارزه با این سیستم و رژیم حافظ آن از دست نمیدهند میتواند چنان ضربه‌های کاری به رژیم و کل سیستم وارد آورد که دیگر جبران بنیستد نباشد. بر این اساس است که خمینی این سگ زنجیری در گساره امپریالیسم با طرح پیامدهای عملی گفته‌های خامنه ای در مورد قائل شدن چارچوب احکام الهی برای اختیارات دولت فاعسل مشترک جناحهای رقیب درون حکومت را بادآوری کرده و بر وحدت آنها در امر مقابله با خلیف انگشت میگذارد.

او با برجسته کردن پیامدهای عملی دیدگاههای جناح خامنه ای در حالی که بروشنی وحشت خود را از نیروهای آنسوی صف یعنی توده‌های میلیونی خلق اشکار میسازد به حاملین این دیدگاهها گوشزد میکند که محدود نمیشوند اختیارات دولت در "چارچوب احکام الهی"، دست دولت را در اجرای بسیاری از امور که بویژه در شرایط بحرانی کنونی اجزای هر یک از آنها برای حفظ و موجودیت سیستم سرمایه داری وابسته [ببخشید برای حفظ موجودیت اسلام] رژیم

جمهوری اسلامی الزامی است
 میبندد و برای باصلاح شریفهم
 کردن جناح مزبور مسواری را
 بعنوان مثال یاد آور میشود که
 اتفاقاً منظور نظر او را بخوبی
 بیان میکند . ملاحظه او با اشاره
 به مسئله " نظام وظیفه و
 اعزام الزامی به جبهه ها " با
 اشاره به تعزیرات حکومتی
 که از نظریه با پیاده کردن
 نظرات خامنه ای و محدود نمودن
 اختیارات دولت " هیچکس
 نمیتواند ملتزم به آن باشد " .
 خامنه ای و داریو دسته اش را
 متوجه خطرات ناشی از آن ساخته
 و بواقع میگوید که در آن صورت
 دیگر دولت نخواهد توانست
 همچون امروز به شکار جوانان
 پرداخته و آنها را دسته دسته
 در قتلگاه جنگ امپریالیستی
 سلاخی نماید و با در مسورد
 تعزیرات حکومتی ممکنست دولت
 در چپا و ل زحمتکشان دروسعتی
 که امروز به آن مشغول است و
 دامنه آنرا هر روز زیادتس
 مینماید دچار مشکلاتی گردد و
 قس علیهذا .

در آخر خمینی مسزودور
 برای اینکه دیگر جای تفسیر و
 اما و اگرهای باقی نگذارد تمامی
 برده های فریب و ریا را کنار
 زده و با وقاحت تمام به توضیح
 درک خود نسبت به مسئله حکومت
 پرداخته و میگوید : باید عرض
 کنم حکومت که شعبه ای از ولایت
 مطلقه رمول الله (ص) است یکی
 از احکام اولیه اسلام است و

مقدم بر تمامی احکام فرعیه
 حتی نماز و روزه و حج است .
 حاکم میتواند مسجد یک منزلی
 را که در مسیر خیابان است
 خراب کند و پول منزل را به
 صاحبش رد کند . حاکم میتواند
 مساجد را در موقع لزوم تعطیل
 کند و مسجدی که قرار باشد
 در صورتیکه رفع بدون تخریب
 نشود خراب کند ، حکومت
 میتواند قراردادهای شرعی را که
 خود با مردم بسته است در موقعی
 که آن قرارداد مخالف مصالح
 کشور و اسلام باشد یکجانبه لغو
 کند و میتواند هر امری را چه
 عبادی و یا غیر عبادی باشد که
 جریان آن مخالف مصالح اسلام
 است از آن مادامی که چنین
 است جلوگیری کند حکومت
 میتواند از حج که از فرائضی
 مهم الهی است در مواقعی که
 مخالف صلاح کشور اسلامی دانست
 موقتاً جلوگیری کند .

حکومتی مطلق العنان ،
 فعال مایشاء ، که تحت نسام
 اسلام و مصالح اسلام میتواند
 به هرکاری که آنرا مصلحتست
 اسلام تشخیص میدهد دست بزند و
 از هر کاری که آنرا مخالف
 مصالح اسلام میداند جلوگیری
 نماید .

ولی مصالح اسلام آنگونه
 که خمینی و مزدوران دیگس
 جلوه میدهند نه در آسمانها
 بلکه در روی زمین و در نظام
 سرمایه داری وابسته ایران
 مفهوم دارد و اگر این واقعیت
 را در باسیم که رژیم جمهوری

اسلامی از بسدو سرکار قرار
 گرفتن خویش هرچه کرده است در
 جهت حفظ سیستم سرمایه داری
 وابسته ایران بوده و در عین
 حال متوجه باشیم که در شرایط
 بحران سیستم امپریالیستی که
 نظام ایران بدلیل وابستگی به
 آن سیستم مستقیماً دستخوش
 پیامدهای ناشی از بحران مزبور
 میباشد ، این رژیم با توسل
 به مذهب و اقدامات ارتجاعی
 گوناگون زیر پوشش آن به اجرای
 سیاستهای امپریالیستی چه در
 داخل ایران و چه در خارج
 پرداخته است آنگاه میتوانیم
 بفهمیم که عبارت " مصالح
 اسلام " در نزد اینان مفهومی
 جز حفظ سیستم سرمایه داری
 وابسته ایران و رژیم جمهوری
 اسلامی ندارد . اساساً روینمای
 سیستم سرمایه داری وابسته
 ایران همانطور که سازمان
 ما با تحلیل شرایط اقتصادی
 و اجتماعی ایران نشان داده است
 الزاماً دیکتاتوری وحشیانه و
 لجام گسیخته بر علیه توده های
 خلق میباشد و این دیکتاتوری
 چه بالغافه اسلام و چه بسا
 لغافه تاج و تخت شاهنشاهی
 و غیره دارای ماهیت فدخلقی
 است اگر چه بسته به شرایط ،
 شدت و ضعف و اشکال گوناگون
 اعمال آن متفاوت میباشد از
 اینرو است که سخنان فوق الذکر
 خمینی و توصیفی کسه او از
 خصوصیات یک دولت باصلاح اسلامی
] بخوان دولت نماینده

امیرالایم و بورژوازی وابسته به آن [بدست میدهد علیرغم تمام وقاحت و دریدگی در بیان، از نقطه نظر اعتراف به شک واقعیت، تعجبی بر نمی انگیزد.]
 بواقع خمینی در سخنان خود بار دیگر اگر چه این بار با وقاحت بیشتری بر لزوم اعمال دیکتاتوری لجام گسیخته در جامعه تاکید میورزد و اعلام میدارد که در حکومت اسلامی مورد نظر او در حالیکه اراده تودهها فاقد هرگونه ارزشی است مسئله اصلی برسر حفظ نظام و تامین منافع و مصالح مشتی سلطه گرو نوکران داخلیشان بطور کلی میباشد. اما این تاکید مجدد به لزوم اعمال دیکتاتوری لجام گسیخته و بیان این امر که حکومت حتی در خراب کردن مساجد، لغو قراردادهای شرعی و جلوگیری از فرمایش مذهبی - اموری که ظاهرا باید از یک حکومت مذهبی بعید باشد - و نظامی آن دارای اختیارات تمامی است موضوعی را نشان میدهد که باید به آن توجه داشت. اگر حمله به تودهها بی ارزش خواندن اراده انسان و لغو آزادی آنها حتی در امور کاملا خصوصی خویش عمق دناشت و ردالت خمینی مزدور را نشان میدهد. در عین حال این امر بیانگر ضرورت اعمال آن قدرت مطلقه ای است که بورژوازی - وابسته امروز بیش از هر وقت

دیگر برای پیشبرد امورات خود بدان نیازمند میباشد و خمینی دقیقا با تشخیص آن ضرورت است که بر لزوم وسیع کردن اختیارات دولست و باز گذاشتن دست اودر اعمال هرگونه دیکتاتوری در مسورد تودهها تاکید میورزد ولی اگر جناحهای درون هیئت حاکمه با همه تضادهای و اختلافات موجود فیما بین خود در استثمار و غارت و سرکوب تودهها و ایجاد شرایط هرچه خفقان بارتر برای آنان دارای منافع مشترک میباشد، در بکارگیری شیوههای مختلف سرکوب در چگونگی چپاول تودهها و تقسیم حاصل این چپاول در بین خود با یکدیگر تضاد دارند و اتفاقا رشد همین تضادهاست که بحسب و جدل در رابطه با اینکس آیا چارچوبی [البته از نوع الهی آن] برای اختیارات دولت میتوان متصور شد یا نه و اینکه آیا دولت در انجام وظیفه خود یعنی حفظ سیستم سرمایه داری وابسته و تامین منافع امیرالایمستها و بورژوازی وابسته ایران در کلیت خود دارای اختیارات نامحدود میباشد یا نه را پیش آورده و خمینی مزدور را مجبور نموده است تا با روشنی و صراحت و در عین حال با قباحات تمام به توضیح و تشریح دیدگاههای ارتجاعی خود در رابطه با حکومت پرداخته و لزوم اعمال دیکتاتوری تمام و کمال از

جانب حکومت را بیاد آوری نماید. "نقطه" خامنه ای پس از آنکه او در اظهاراتش در نماز جمعه اختیارات حکومت را در چارچوب احکام حکومتی مشروط ساخته بود و نظرات خمینی در مورد حکومت و تاکید او بر "ولایت مطلقه" بروشنی گویای برجستگی مسئله نقش دولت در حیات اقتصادی و سیاسی جامعه در اختلافات و دعوای جناحهای مختلف رژیم میباشد امری که از دیر بساز در سیستم سرمایه داری وابسته ایران بصورت مختلف خود را نشان داده است و اکنون نیز معلوم میشود که در حالیکه در جمهوری اسلامی جناحی معتقد به سلطه بلامنزاع دولت در امور سیاسی و اقتصادی بوده و در جهت اعمال این سلطه مطلقه میکوشد دار و دسته دیگری از محدودیت نقش دولت در امور اقتصادی دفاع نموده و خواهان نقش هرچه بیشتری برای سرمایه داران بخش خصوصی در پرورش استثمار میباشد در اختلافات اخیر بین خامنه ای و دارو دستسبه اش در شورای نگهبان از یکطرف و رفسنجانی و خمینی و از طرف دیگر این واقعیت با وضوح هرچه بیشتری خود را نشان داد. با توجه به تکیه اقتصاد ایران به نفت و نقش دولت در استخراج و فروش آن، بورژوازی وابسته بوروکرات

همواره دست بالا را در پیشبرد امور داشته و تا آنجا که نتوانسته و مقتضیات و الزامات حفظ و استمرار سیستم به سوی اجازه داده است همواره کوشیده است دست سوزواری غیربوروکرات را از اداره امور کوتاه و مواضع او را در اقتصاد هرچه بیشتر اشغال نماید. این امر بدون شک در شرایطی که سیستم دستخوش تظاهرات و بحرانهای حاد میباشد بسیار شدت و وسعت هرچه بیشتری عملکرد داشته و تضادهای دودسته از سرمایه داران وابسته را که در تضادهای درونی جناحهای مختلف حکومت انعکاس مییابد شمسدت میبخشد.

تشدید تضادهای درونی جناحهای حکومت در حال حاضر نیز از قاعده فوق مستثنی نبوده و اتفاقاً وقایع اخیر صحت این امر را بار دیگر نشان داد.

در شرایط بحران اقتصادی موجود و عدم نیاز بازارهای جهانی همچون سالهای قبل به نفت و در نتیجه ضرورت عرضه کم و با قیمت پائین آن به بازار و در حالیکه ارزش حاصل از فروش نفت هر روز ارزش خود را بیشتر از دست میدهد و در یک کلام در شرایط کاهش چشمگیر

درآمد نفت دولت مجبور است برای کسب درآمدهای مورد نیازش که به خصوص به علت تداوم جنگ امپریالیستی ایران و عراق هر روز بیش از گذشته فزونی مییابد حوزه های جدیدتری از تولید و مبادله را زیر سیطره خود درآورده و به درآمدهای سوزواری غیربوروکرات یا به عبارت دیگر "بخشی خصوصی" که بویژه در شرایط سلطه جمهوری اسلامی بصورت حیرت آوری فزونی یافته است چشم داشت داشته باشد.

براین اساس دولت به عنوانی مختلف دست خود را به جیب سرمایه داران غیربوروکرات فرومیکنند و هرپسار وجوهی از حاصل غارت و استثمار نوده ها را بفتح خود و برای پیشبرد مصالح نظام از انسان بازمیستانند و با دست اندازی به حوزه های هرچه بیشتری از تولید و مبادله سعی در کوتاه کردن دست این سوزواری از حوزه های مزبور نموده و در عین حال با کوشش در تصویب لوایح و قوانین مختلف سعی میکنند بر تمام عملکردهای خود جنبه قانونی داده و قدرت خویش را در مقابل سوزواری غیربوروکرات فزونی بخشند. مسلماً این عملکردهای دولت در وجه مقابل عکس العمل سرمایه داران وابسته

غیربوروکرات را به دنبال دارد که امروز در شرایط بن بست اقتصادی دامنگیر رژیم و رشد روزافزون بحران اقتصادی ایجاد بیشتری یافته و در سیاست بصورت دعواهای دو جناح و در ارجحیت خامنه ای و عتاب و خطاب های خمینی خود را نشان میدهد.

در حال این واقعیتی است که تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه، رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی را از درون تضعیف ساخته و توان او را در مقابله با بحرانهایی که احاطه اش نموده است بسیار کاهش میدهد. در عین حال بسا توجه به اینکه ریشه همه این تضادها در سیستم اقتصادی حاکم و بحران موجود از یکطرف و مبارزه توده ها برعلیه نظام و رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی از طرف دیگر میباشد، حدت یابی تضادهای درونی هیئت حاکمه تأثیر متقابل خود را بر وخیم تر شدن اوضاع رژیم و رشد مبارزات توده ها بجای گذاشته و از آن تأثیر میگیرد. و اگر چاره ای که بهر حال در تعدیل برویه نقش ایفاء میکند بکار گرفته نشود، در دور بعدی تضادهای درونی هیئت حاکمه با شدت بازهم

یوقرار باد اتحاد نیروهای انقلابی و خلقهای سراسر ایران

بیشتر و در ابعاد وسیعتر نمودار خواهد شد. در اینجاست که خمینی مزدور علییرغم میل خود (ج) و اربابان امپریالیستش در ماههای اخیر مجبور شده است مکرراً خود را وارد دعوای دو جناح مخالف نموده و برای شکست بن بست گریبانگیر رژیمش با اصطلاح "راهگشایی" های پیامبرگونه بنماید ولی همانطور که تا کنون در رابطه با دخالتهای او در مواردی همچون اختلال در "قانون کار" (ج) ، "تعزیرات حکومتی" و غیره نشان داده شده نه تنها فساد نیست دردی از دردهای بی شمار این رژیم را بطور قطعی دوا نماید بلکه "بن بست شکنی" های او در روند خود به تشدید هرچه بیشتر تضادهای درونی هیئت حاکمه نیز منجر میشود.

بدون شك کشیده شدن بنای خمینی به اختلافات فیما بین سردمداران رژیم در خالتیکسسه بیانگر تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه و ناشی از آن میباشد در همانحال يك شکست بزرگ برای رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی محسوب میگردد. چرا که اصولاً برای حفظ استوریته کاذب با اصطلاح "امام" در جامعه ، او باید از اختلافات و بگومگو های دیگر سردمداران رژیم برکنارنگاه داشته شود. چرا که اگر او

در اختلافاتی وارد شده و فتوایش صادر کند که بدلیس عملکرد تضادهای موجود در رشد آن تضادها قابل اجرا نباشد و کار به جایی برسد که جناحهای درون حکومت اشکسارا در مقابل وی اتخاذ موضع کنند دیگر خمینی نمیتواند همان نقشی را بازی کند که مصالح نظام از او میطلبند و روند نابودی رژیمش شتاب هرچه بیشتری خواهد گرفت. امروز حدت تضادهای درون هیئت حاکمه هرزمنیسه رشد بحران و تشدید هرچه بیشتر تضاد اصلی جامعه یعنی تضاد خلق و امپریالیسم با برجستگی بازهم بیشتری ضرورت مبارزه همه جانبه خلقهای ما را بر علیه این رژیم ددمتش اشکار ساخته و

بر آن تاکید مینمایند. توده‌هایی که در جریان زندگی روزمره خود با پوست و گوشتشان اعمال ضد خلقی سردمداران دزد و فاسد جمهوری اسلامی و تمامی گرایشهای ضد انقلابی درونی اش را لمس کرده اند بدرستی میدانند که علییرغم تمامی تبلیغات دروغین جناحهای مختلفه تمامی گرایشهای درونی این رژیم کاملاً بر علیه آنها صفا کشیده و مستضعف گراش و طرفداری از محرومیت در دعوای درونی این رژیم تنها پوششی است برای پنهان ساختن چهره بغایت سیاه رژیمی که باید در تمامی ضد انقلابی خود به قدرت توده‌های میلیونی به زباله‌دان تاریخ انداخته شود.



* خمینی مزدور در ابتدای نامه خود به خامنه‌ای عدم رضایت خود را از وارد شدن به اختلافات درون هیئت حاکمه به این صورت بیان میکند: "من میل نداشتم که در این موقع حساس به مناقشات پرداختم

شود و عقیده دارم که در این مسوابع سکوت بهترین طریقه است" در صفحات قبل در این مورد توضیح داده ایم.

رفقای هوادار!

بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی هر چه فعالانه‌تر بنیای خیزید، صفوف خود را متشکل نموده و با ایجاد هسته‌های سیاسی - نظامی این رژیم ددمتش را آماج ضربات مرکباز خود قرار دهید.

جبهه‌های جنگ.

سران حاکم برای بسیج نیرو به هر وسیله‌ای متوسل شدند. جوانان را از صف‌های ارزاق و اتوبوس و سینما بیرون کشیدند، کنترل راه‌های تردد همگانی را برای دستگیری مسئولین همدت بخشیدند، یورشهای شبانه ترتیب دادند، سهمیه‌های انسانی برای شرکت در جبهه از کارگاه و کارخانه، مدرسه و دانشگاه مقرر داشتند و بالاخره ودریک لایم برای نفس کشیدن و زندگی کردن پیش شرط رفتن به سربازی و شرکت در جبهه را گذاشتند و باز نتیجه‌ای آنچنان دلخواه حاصل سران ضد خلقی نگشت.

مقاومت توده‌های زحمتکش و شکست سیاستهای ضد خلقی بسیج نیروی رژیم حاکم آنقدر روشن و آشکار است که دیگر فتواهای پشت سرهم امام مزدوران یعنی خمینی جلاد نیز پیشری ارزش ندارد. و تصمیم اخیر مزدوران ضد خلقی شورای عالی جنگ دقیقاً نتیجه این شکستها و عکس العملی است که مزدوران در اوج درماندگی مجبور به اتخاذ آن شده‌اند.

خلقهای قهرمان، زحمتکش آگاه، شما بایستی بدانید که تلاش اخیر رژیم و توطئه جدید افزایش مدت سربازی چیزی جز تیز کردن چنگالهای مرگ برای گرفتن جان فرزندان و عزیزان شما نمیباشد. پس

در صفحه ۱۴

افزایش مدت زمان سربازی توطئه‌ای جدید بر علیه جوانان

از صفحه ۱

بسیج نیروی رژیم ضد خلقی بسا شد، برخورد آگاهانه و انقلابی خلقهایمان در مقابلیه با دسائس سران حاکم برای گسیل جوانان میهن به میادین مرگ و نیستی میباشد. بسا مشاهده آگاهی روزافزون توده‌ها از واقعیات و ماهیت ضد خلقی رژیم و عدم تمکین آنها به سیاستهای ضد خلقی و از جمله سیاست سربازیگری، سران حاکم به ناچار مجبور گشتند تا سر نیزه‌ها را عربانتر از پیش در کنار تبلیغات بسیج نیرویشان بکار گیرند. تیمهای شکار جوانان و مشمولین، متشکّل از مزدوران سپاه و شهربانی و ژاندارمری با تبلیغات و نمایشات ساختگی کاروانسهای داوطلب بهشت و کربلا و غیره توام گشت و برای جمع آوری پاسخهای مناسبه "لنیک یا امام" کمیته‌های ویژه تشکیل گردید و سمینارها گذاشته شد. اگر قبلاً برای شکار جوانان بیشتر از سپاه و شهربانی استفاده میشد در دور جدید نیروگیری از مزدوران رنگارنگ رژیم از جمله مزدوران کمیته نیز استفاده گردید و کمیته‌ها فعال شدند تا کمکی باشند به دیگر ارگانهای سرکوب جهت جمع آوری یا اصطلاح داوطلب‌های

نقش این رژیم در تداوم جنگ در جهت منافع امپریالیستها، پرده از ظاهر شعارهای فریبنده و برطمطراق سران حاکم در رابطه با دلائل ادامه جنگ برافتاده است.

در طی چند سال تداوم جنگ امپریالیستی ایران و عراق در حالیکه واقعیت این جنگ در تقابل با منافع زحمتکشان روشن گشته و نتایج بس مخرب و ویران کننده آنرا همگی با تحمل درد و رنجهای بسیار مشاهده نمودند. ضدیت جمهوری اسلامی با توده‌های ستمدیده ما و نوکسری او در درگاه امپریالیسم در جهت پیشبرد سیاستهای آنها در منطقه نیز بعینه نشان داده شد.

اینک در ادامه همان سیاستهای ضد خلقی و در جهت رونق دادن دوباره به بازار جنگ، ارگان ضد خلقی شورای عالی جنگ، بدنبال شکست سیاستهای بسیج نیروی خود به حربه‌های دیگر متوسل گشته و سعی دارد با افزایش مدت زمان سربازی کمبود نیرویش را در جبهه‌های مرگ و نیستی جبران نماید.

بیشک آنچه باعث شد تا بسیاری از توطئه‌های ضد خلقی رژیم نقش بر آب شده و سرانجامش امروز به ته دیگ خوردن کفگیر

راه کارگر زیر پوشش شعار چپه

در صدد ائتلاف با چه کسانی است؟

(قسمت سوم)

از صفحه ۳۸

اگر کسانی برای هدفهای اجتماعی واحدی مبارزه نمیکنند پس برای چه در یک ائتلاف دمکراتیک باید و یا میتوانند گرد آیند. طرح این موضوع که "کمونیستها برای نابودی نظام سرمایه داری میجنگند و از این رو در ساختن سوسیالیسم و قدرت دولتی کارگران و زحمتکشان نمیتوانند به سیستم نمایندگی بورژوازی تکیه کنند؛ نیروهای بورژوا - دمکرات نهادهای نمایندگی پارلمانی را عالی ترین نظام سیاسی دمکراتیک تلقی میکنند." و نتیجه گیری از آن که گویا "همه آنهایی که در یک ائتلاف گرد می آیند برای هدفهای

ادامه پارقی از پشت جلد

هراس از رمیدن "بورژوازی ایران" بر "جبهه سرنگونی" اش تاکید نموده و به جنگ لنینی می رود و سخاوتمندانه به وکالت از طرف طبقه کارگر و صدا البته بنفع بورژوازی وابسته

اجتماعی واحدی مبارزه نمیکنند تنها بیانگر بیگانگی راه کارگر از ابتدائی ترین اصول مارکسیسم و عجز او در درک مسائل بدیهی اجتماعی است. آیا راه کارگر هیچ جا در تاریخ دولت واحدی از کارگران و دهقانان و نیروهای اجتماعی دیگر سراغ ندارد که آنچه را که او معضلی مینامد که مانع از توافق آنها برای استقرار یک نظام سیاسی مشخص میگردد، حل و عملا بر روی نظام سیاسی معینی به توافق رسیده باشند؟ و برآستی "جمهوری دمکراتیک کارگران و زحمتکشان شهرو روستا"ی راه کارگر چگونه

به امپریالیسم این دشمن اصلی کارگران، خواستهای طبقه کارگر را تعدیل کرده و با حقیقت کامل تاکید بر تحقق خواستهای برحق کارگران را رنگ و لعاب کاذب سوسیالیستی به جنبش دمکراتیک زدن مینامد.

ممکن خواهد شد! واقعیت این است که در اینجا قبل از اینکه مشکل بر سر شکل نظام سیاسی جایگزین باشد، بر سر عدم فهم آن هدفهای اجتماعی واحدی است که در مرحله ای از انقلاب نیروهای اجتماعی مختلف به مبارزه مشترک برای تحقق آن اهداف دست میزنند، اگر طبقه کارگر برای سوسیالیسم و کمونیسم میجنگد تحت الزامات عینی شرایط اجتماعی مشخص ممکن است مجبور شود برای رسیدن به این هدف، تحقق هدفی دیگر، هدف مشترکی بنا بر نیروهای انقلابی و مترقی جامعه را در دستور کار خود قرار دهد. رسیدن به این هدف مشترک در حالیکه موجب تحقق منافع طبقاتی متحدین طبقه کارگر میگردد، خود او را نیز قدمی در رسیدن به هدف خایی خود یعنی سوسیالیسم و کمونیسم نزدیکتر میسازد. بر این اساس

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با اپورتونیزم نیست

طبقه کارگر در جامعه ما در مرحله انقلاب دمکراتیک نوین میتواند با رهبری خویش دولت واحدی را با متحدین خود تشکیل دهد و نه فقط در مورد اصلی ترین خصوصیات این دولت بلکه در مورد شکل آن نیز با آنها به توافق برسد؟ چرا که مبارزه آنها در این مرحله از انقلاب برای هدفهای اجتماعی واحد، موجب ائتلاف آنها در این مبارزه میگردد. راه کارگر در مورد حفظ شدن ائتلاف نیروها پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی اظهار تردید کرده و مینویسد: «مثلا بعید است که همه نیروهای که امروز برای دمکراسی ائتلاف میکنند، حاضر باشند در گرماگرم انقلاب از جنبش کنترل تولید طبقه کارگر و جنبش مصادره انقلابی تهیدستان شهر و روستا حمایت کنند. جنبش کنترل تولید و مصادره از دمکراسی سیاسی فراتر خواهد رفت و دمکراسی اجتماعی را خواهد طلبید.» از این جملات اول معلوم میشود که منظور راه کارگر از ائتلاف برای دمکراسی، حصول نوعی دمکراسی است که وی آنرا «دمکراسی سیاسی» مینامد که مفهوم آن هرچه باشد در آن نه «جنبش کنترل تولید طبقه کارگر» مطرح است و نه جایی برای «مصادره انقلابی» تهیدستان شهر و روستا وجود

دارد. و ثانياً اگر قرار است «جنبش کنترل تولید طبقه کارگر» و «مصادره انقلابی تهیدستان شهر و روستا» در گرماگرم انقلاب بعنوان مسائل جدی در جنبش مطرح شوند، میتوان نتیجه گرفت که این مسائل ریشه در ضروریات عینی شرایط اقتصادی و اجتماعی دارند، بنابراین راه کارگر باید پاسخ دهد که اساساً چرا وظیفه پاسخگویی به این ضروریات را برای نیروهای مؤتلفه در «جبهه» قائل نیست؟ و چرا این مسائل را در برنامه ائتلاف جای نمیدهد؟ در واقع تردید راه کارگر در حفظ ائتلاف مورد بحث در گرماگرم انقلاب، از آنجائیکه ناشی میشود که اساساً در این پایه‌های ائتلاف اصولی در میان نیست بلکه ائتلافی در مغایرت با روند رشد و تکامل جامعه مطرح شده است. در حالیکه اگر پیشاپیش بر روی آن دمکراسی‌ای که انجام اقدامات فوق الذکر را جایز می‌شمارد توافق بعمل آید و این نقطه اشتراک نیروهای مؤتلفه قرار گیرد دیگر اظهار نگرانی در حفظ ائتلاف به خاطر مطرح شدن آن مسائل در گرماگرم انقلاب بی مورد است.

البته اینکه در جریان رشد انقلاب ممکن است در ائتلاف‌های سیاسی تغییر ایجاد شود، امری محرز است و این امر

نیز که طبقاتی که در یک مرحله از انقلاب در کنار هم قرار گرفته‌اند الزاماً در مرحله بعدی انقلاب در کنار هم نخواهند بود و ترکیب نیروهای انقلاب در جریان انقلاب دستخوش تغییراتی میگردد. تردیدناپذیر میباشد ولی اینها هرگز دلیل بر زیرپا گذاشتن اصول برنامه‌های پرولتاریا و تن دادن بسنه سازشکاری به بهانه حفظ ائتلاف نیستند و از اینرو واقعیت فوق نمیتواند توجیه‌گر عدول راه کارگر از اصول برنامه‌های پرولتاریا در این مرحله از انقلاب و سازشکاری‌های وی در این زمینه باشد.

راه کارگر میتواند منظور خود را با صراحت بیشتری مطرح نماید و بگوید که او روی اتحاد با نیروهای سیاسی حساب میکند که حتی صرف طرح مثلاً «مصادره انقلابی تهیدستان شهر و روستا» باعث رسیدن آنها میگردد و راه کارگر که نمیشود با «رنگ و لعاب کاذب سوسیالیستی» دادن به جنبش پرورژوا - دمکراتیک «موجبات رنجش آنان را فراهم آورد به «دمکراسی سیاسی» بسنده میکنند. ولی در عین حال راه کارگر حساب میکند که با صراحت گفتار نیابد امکان فریب کارگران و «تهیدستان شهر و روستا» که بوجود آنان

در جبهه نیازمند است، را از دست بدهد.

راه کارگر بر مبنای این حرف که "در تاکتیک جبهه دمکراتیک - ضدامپریالیستی مبنای حرکت بر یک پلاتفرم انقلابی - دمکراتیک گذاشته میشود و نه بر ترکیب نیروها" که در جای خود حرف درستی است، پذیرش به اصطلاح "بورژوازی لیبرال" را در جبهه مجاز می شمارد و در جای دیگر مطرح میکند که نیروهای سیاسی که در گذشته با دو رژیم (رژیم شاه و رژیم جمهوری اسلامی) عملاً همکاری کرده اند نیز مشروط بر آنکه از اعمال خیانت بار خود "انتقاد علنی" (*) نمایند میتوانند در جبهه واحد شرکت کنند. ولی بواقع اینها فقط تاکیدات مکرر است و الا در برنامه راه کارگر برای "جبهه واحد" با توجه به فرمیسم او همه شرایط لازم برای شرکت حتی "بورژوازی لیبرال" که از نظر راه کارگر "نیروی ذخیره ضدانقلاب" قلمداد میشود نیز فراهم است. و اساساً راه کارگر برای ائتلاف با چنین نیروهایی است که بحث جبهه را مطرح ساخته و از ضرورت تشکیل آن سخن میگوید. او با تئوری پردازیهایی رفرمیستی در این مورد میکوشد تا زمینه نظری نزدیکی خود با ضدانقلابیونی چون نزیسه و شریعتمداری و غیره را آماده

سازد. بر اساس همین واقعیت هم برنامه جبهه مورد نظرش را چنان تنظیم نموده است که چنین "شاه مهره" هایی توانائی جولان در آن را داشته باشند. در هر حال اگر هدف و منظور نظر راه کارگر از تشکیل "جبهه" را نیز در نظر بگیریم - در میابیم که یک نیروی انقلابی و جدی که از تشکیل جبهه نه یک بند و بست سیاسی بلکه عمدتاً تضمین وحدت طبقه کارگر با دهقانان و خرده بورژوازی شهری و اتحاد با نیروهای سیاسی مدافع منافع ایمن طبقات را مدنظر دارد و هدفش تقویت ارتش پرولتاریا از طریق جذب نیروهای خرده بورژوازی جهت نابودی نظام موجود و قطع نفوذ امپریالیسم و بالنتیجه استقرار نظام دمکراتیک نوین میباشد، اساساً نمیتواند و نباید در جبهه مورد نظر راه کارگر شرکت نماید. چرا که "جبهه" راه کارگر بخاطر پیشبرد امر انقلاب دمکراتیک و ضدامپریالیستی (به مفهوم واقعی کلمات، یعنی انقلابی

که با خلق یدار - بورژوازی وابسته و تأمین رهبری پرولتری در انقلاب، نابودی سلطه امپریالیسم در ایران و ایجاد شرایط دمکراتیک بنفع کارگران و زحمتکشان را ضمانت نماید) تشکیل نمیشود. چرا که راه کارگر "جبهه" را بمنظور تأمین وحدت طبقات انقلابی از طریق اتحاد آگاهانه نیروهای سیاسی مدافع آن طبقات که هر یک از قدرت تشکلی برخوردار بوده باشند بنحوی که حضورشان در جبهه انعکاسی از حضور نیروهای طبقاتی در جبهه باشد، تشکیل نمیدهد و خود نیز ادعائی در این زمینه ندارد. او منظور خود را از پیش کشیدن شعار تشکیل جبهه در چند جمله به این نحو خلاصه میکند: "در شرایطی که رژیم ارتجاعی ولایت فقیه دچار بحران عمیق و همه جانبه گشته و جایگزینهای بورژوازی مانند سلطنت طلبان و "شورای ملی مقاومت" نیز بیش از پیش در انظار توده های مردم ایران

تیغ کشیده بودند و توده ها را به قربانی شدن در مسلخ جنگ امپریالیستی ایران و عراق فرامیخواندند بر علیه جنگ اعلامیه مشترک بدهد و آنها را بعنوان یکی از نیروهای جبهه مورد نظرش قلمداد کند.

* - از نوع همان "انتقاد علنی" اکثریتی های کشتگری که موجب رضایت راه کارگر گریها گشت و وسیله ای شد برای کوشش راه کارگر در تطهیر چهره ایمن جانیان چکمه لیس در گاه جمهوری اسلامی، امری که شرایط را برای حزب دمکرات آماده نمود تا با خائنینی که بر روی خلق کرد

بی آبرو گشته اند، ائتلافی از نیروهای دمکراتیک و ضد امپریالیست میتواند گام موثری در راستای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و گسترش هرچه وسیعتر آزادیهای دمکراتیک و آغاز یک انقلاب حقیقتنا خلقی باشد" ۵۰۰۰۰ بلی همه ضرورتهای تشکیل یک جبهه دمکراتیک و ضد امپریالیستی برای راه کارگر در جملات فوق خلاصه شده است. اگر رژیم "ولایف فقیه" دچار بحران عمیق و همه جانبه نگشته بود و سلطنت طلبان و شورای ملی مقاومت نیز پیش از پیش در انظار مردم بی آبرو نگشته بودند، ضرورتی برای تشکیل جبهه نبود ولی اکنون ضروریست که جایگزینی بجای جایگزینهای امثال سلطنت طلبان و شورای ملی مقاومت علم شود. پیوسته راه کارگر آستین ها را بالا زده است که تحت عنوان تشکیل جبهه دمکراتیک و ضد امپریالیستی، جریانات سیاسی چندی را کردهم آورد و به ضرورت "جایگزین سازی در مقابل سلطنت طلبان و شورای ملی مقاومت پاسخ مثبت دهد. البته عنوان پرطمطراق این "جایگزین" یعنی جبهه دمکراتیک - ضد امپریالیستی بهیچوجه نباید موجب اشتباه

شود و ما گمان کنیم که در اینجا بحث جبهه ای مطرح است که قصد دارد با بسیج هرچه وسیعتر نیروها، مبارزه همه جانبه ای را بر علیه دشمن پیش ببرد. در این صورت مثلاً میبایست پرسیده میشد که شیوه اصلی مبارزه این جبهه چیست و آن جبهه در طی کدام پروسه مبارزاتی به اهداف خود خواهد رسید، در حالیکه در مورد "جبهه" راه کارگر این باصطلاح جایگزین شورای ملی مقاومت و جایگزین "الترناتیو" سلطنت طلبان جای طرح چنین بحثی نیست و یا حداقل بار جدی پیشین را ندارد. اگر در مورد یک جبهه واقعی لازم بود سوال شود که این کدام شکل مبارزه است که نیروهای تشکیل دهنده جبهه حول آن توانسته اند به وحدت جبهه ای دست یابند، چنین سوالی نیز در این مورد از جدیت لازم برخوردار نیست، چرا که در اینجا اساساً پای یک مبارزه جدی در میان نیست. مبارزه ای که این جایگزین قرار است انجام دهد منطقی نیست از حد مبارزه باصطلاح جایگزینهای مشابه ای که نتایج مبارزه تاکنونی شان نیز روشن است فراتر رود و برای این منظور نیروهای تشکیل دهنده "جایگزین" گذشته و

انعطافهای مقتضی" را خواهند داشت و به این ترتیب میتوانند پلاتفرم و اساسنامه ای را تصویب و "جبهه" دمکراتیک و ضد امپریالیستی" مورد نظر را تشکیل دهند.

البته راه کارگر در زمینه بحث مربوط به شیوه مبارزه جبهه فراموش نکرده است که مطرح کند: "برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و دست یافتن به اهداف فوق باید از همه اشکال مبارزه استفاده شود، در عین حال لازم به تاکید است که سرنگونی این رژیم بدون مبارزه مسلحانه توده ای امکان ناپذیر است" ولی این جملات در صورتیکه ضرورت ورود به این بحث وجود داشته باشند، بهیچوجه پاسخگوی این موضوع که شیوه اصلی مبارزه جبهه چیست و ۵۰۰۰۰۰ نمیباشند. اگر استفاده از همه اشکال مبارزه برای یک جبهه دمکراتیک و ضد امپریالیستی امری معلوم و در عین حال ضروری است، تعیین شیوه اصلی مبارزه برای جبهه نیز ضرورت حتمی دارد. چرا که در واقعیت امر همواره شیوه ای از مبارزه عمده است و یک مبارزه همه جانبه اساساً حول آن شیوه مبارزه پیش میرود. صرف

پیش بسوی ایجاد فرماندهی مشترک در جنبش خلق کرد

ابراز اعتقاد به ضرورت مبارزه مسلحانه توده‌ای جهت سرنگونی رژیم کافی نیست تا بتوان مدعی تعیین راه و چگونگی سرنگونی رژیم بود، بلکه یک جریان سیاسی انقلابی باید معلوم کند که چه پروسه‌ای را و عمدتاً با تکیه به کدام شکل از مبارزه باید از سرگذراند تا بتواند پیش‌برنده یک مبارزه مسلحانه توده‌ای در جامعه باشد.

در جامعه بی‌مناسبت نیست نظر مختصری به نقد راه‌کارگر از طرح پیشنهادی حزب دمکرات در رابطه با تشکیل "جبهه" بیافکنیم. راه‌کارگر در حالیکه متذکر میشود که در طرح حزب دمکرات به مسئله انحلال ارتش و ارگانهای سرکوب‌دولتی و تسلیح توده‌ای برخورد نشده است، برخورد این حزب به امر دمکراسی را مبهم و غیراصولی مینامد و با ذکر این مطلب که حزب دمکرات در برخورد به مسئله ملی شعار حق تعیین سرنوشت را به شعار فدرالیسم تنزل داده، از برخورد دوپهلوی و غیراصولی این حزب نسبت به خواسته‌های دمکراتیک صحبت میکند.

اولاً در رابطه با برخورد خود راه‌کارگر نسبت به مسئله ارتش و دیگر ارگانهای سرکوب‌دولتی باید توجه داشت که او از انحلال این ارگانها

و نه از نابودی آنها صحبت میکند و اگر در نظر بگیریم که در شرایط جامعه ما پیروزی انقلاب منوط به نابودی ارتش امپریالیستی است، میتوانیم به درجه پوچی این اعتقاد که گویا ارتش با فرمانی منحل خواهد شد، پی ببریم. ثانیاً اگر در طرح حزب دمکرات نابودی و یا آنطور که راه‌کارگر میگوید انحلال ارتش در نظر گرفته نشده پس دیگر هرگونه صحبتی از دمکراسی بِنفع توده‌های میلیونی مردم فریبی بیش نیست. چرا که ارتش و دیگر ارگانهای سرکوب دولتی ستون فقرات حاکمیت امپریالیستی را در ایران تشکیل میدهند و با وجود چنین حاکمیتی حتی تصور دمکراسی در جامعه بی‌جاست. ولی صرف‌نظر از این مسئله، راه‌کارگر در حالیکه کاملاً متوجه برخورد غیردمکراتیک حزب دمکرات به مسائل جنبش و خواست او مبنی بر تحمیل شرایط دیکتاتوری جدیدی بر جامعه میباشد و در حالیکه حتی متوجه است که حزب دمکرات در برخورد به مسئله ملی که ظاهراً مسئله محوری این حزب میباشد چگونه حق تعیین سرنوشت خلق کرد را نادیده میگیرد، از برخورد قاطع به او احتراز نموده و با توهم پراکنی از این برخوردها بعنوان برخوردهای "مبهم"، "دوپهلوی" و "غیراصولی"

نام میبرد ولی بواقع کجاست حزب دمکرات وقتی حق مسلم خلقهای ایران را زیر پا نهاده و حق تعیین سرنوشت برای آنان قائل نیست، به این خواست برخورد "دوپهلوی" کرده است؟! و اینها در اینک این حزب در چین عدم طرح خواست نابودی سیستم سرمایه‌داری وابسته و قائل نشدن حق حاکمیت برای توده‌های زحمتکش میلیونی بر "فدرالیسم" و یا "پادفدرالیسم" که جز واژه‌های تروتسکیست اشکال حکومتی بورژوازی نیستند، تاکید می‌ورزد، در کجاست!؟

آیا واضح نیست که وقتی حزب دمکرات خواهان تشکیل جبهه‌ای از باصطلاح "نیروهای اصیل ملی" و "جمهوریخواهان" میگردد و صراحتاً اعلام میکند

* - آیا راه‌کارگر میدانند که ترجمان عملی پلورالیسم حزب دمکرات مفهومی جز تشکیل جبهه با جنايتکارانی همچون مدنی که دست‌انشان نامرفی به خون خلقهای ما آغشته است ندارد. امری که پس از افشاء "قرض الحسنه" آقای مدنی از سوی CIA حزب دمکرات را در وضع ناراحت‌کننده‌ای قرار داد که جز سکوت چاره‌ای برایش نمانده است.

آیا راه‌کارگر میدانند که بر اساس همین باصطلاح ادامه پاورقی در صفحه بعد

که جز سلطنت طلبان هر ایرانی دیگر (!!) میتواند در جبهه او شرکت نماید، قصد آن دارد که جانیانی نظیر مدنی و دیکتاتورهای چون بنی صدر و نزیه و غیره را در جبهه خود تطهیر نموده و راه نفوذ نیروهای منفور ضد خلقی را در جنبش خلق هموار سازد؟ و آیا ائتلاف یا چنین "نیروهای اصیل ملی" و "جمهوریخواهان" (!!) از نظر حزب دمکرات جز بمعنی توافقی زوی برنامه‌ای است که نتیجه آن حاصلی جز تحمیل شرایط دیکتاتوری دیگری بر جامعه نمیتواند داشته باشد؟! راه کارگر مجاز است بنا به ماهیت سازشکارانه خود به

حزب دمکرات بپند دهد که آنقدر به شرکت با صطلاح نیروهای اصیل میلی و جمهوریخواهان تاکید نوردد. و فقط برنامه خود را همانند راه کارگر طوری تنظیم نماید که مانع ورود چنان نیروهایی به "جبهه" نشود ولی مجاز نیست برخورد های سازشکارانه حزب دمکرات را در جنبش صرفا برخوردهای "میهم" و "دوپهلو" بخواند، و به این طریق عوام فریبی کرده و خاک پرچم توده‌ها بیاشد، و در همان حال همه این اعمال اپورتونیستی را با رنگ و لعاب کاذب سوسیالیستی مستور سازد.



ادامه پاورقی از صفحه قبل

حزب دمکرات قصد پوشاندن چهره ضد دمکراتیک این حزب را دارد؟! آیا واقعیت جز این است که خود راه کارگر نیز به دنبال ائتلاف با نیروهای چنین رسوا بوده و بحث جبهه را نیز در همین رابطه مطرح کرده است !!؟

"پلورالیزم" بود که حزب دمکرات میخواست با امثال بختیارها و هم اکبریون شریعتمدارها و نزیه‌ها تشکیل جبهه دهد. پس اگر راه کارگر همه این واقعیتها را میداند چرا سکوت کرده و با "میهم" و "دوپهلو" خواندن پلورالیزم

افزایش مدت زمان

از صفحه ۸

میبایست در مقابل این سیاست ضد خلقی مقاومت نمائید. شرکت یک لحظه بیشتر در جنگ ضد خلقی کنونی یعنی امکان بیشتر نابودی شما و فرزندانتان و تهدید بیشتر جان و مالتان شما به هیچوجه نمیبایست تن به سیاستی بدهید که در هر صورت و بهر شکل به ضرر شما و سایر زحمتکشان میهن خواهد بود و تنها و تنها تامین کننده منافع سران ضد خلقی جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستشان میباشد. لذا در مقابل این توطئه مقاومت نموده و همانند گذشته و پیش از گذشته از سربازان فراری حمایت کرده و به هر شکلی آنان را مساعدت نمائید.

درهای مفازلتان را بر روی جوانانی که تن به شرکت در جنگ ضد مردمی نمیدهند باز گذاشته و آنان را به عدم شرکت تشویق نمائید. شرکت شما و فرزندانتان تنها در جنگی جایز است که برای منافع شما و در جهت آن قرار دارد. و این جنگ چیزی نیست جز جنگ بر علیه رژیم حاکم و اربابانش و بر علیه تمامی توطئه‌ها و سیاستهای ضد خلقی شان.



چریک فدائی خلق
میگویند که چریکها در روزی

پیش آمده ، دژیانه های
 ژاندارمری در سطح شهر به
 گشت زنی پرداخته و پاسداران
 و کمیته چپها را به بهانه های مختلف
 دستگیر کرده و به زندان انداخته و
 پاسداران و کمیته چپها نیز
 متقابلاً هر جا که دستشان به مشمولین
 و سربازان در حال خدمت رسید
 آنها را دستگیر و روانه
 زندانهای سپاه کردند. این
 اوضاع با همه وخامت خود
 برای رژیم ، همچنان ادامه
 داشت تا سرانجام نیروهای
 ارتش سرکوبگر تحت فرمان یکی
 از افسران فرمانده ، در یک
 اقدام بی سابقه از پادگان
 پیرانشهر خارج شده و بصورت
 گازانبوری شهر را محاصره
 نمودند و در حالیکه از مساجد
 اعلام کردند که ارتش قصد
 توپ باران شهر را دارد ، از
 مردم خواستند که شهر را تخلیه
 کنند . آرایش جنگی بسیا
 برگرداندن لوله توپهای
 سنگین از سوی جبهه های جنگ
 ایران و عراق به قلب شهر
 تکمیل شد ، کمیته چپها و
 پاسداران نیز پستهای بازرسی
 متعلق به خود را در قسمت
 پائین شهر جمع آوری کردند ،
 به موازات این اقدامات
 و با فزونی گرفتن وحشت
 عمومی و حرکت مردم بیگناه
 و زحمتکش به طرف خارج شهر ،
 پیرانشهر خالی از سکنه شده و
 تا مرز تخلیه عمومی پیش
 رفت به این ترتیب در حالیکه

مقاومت مردم قهرمان پیرانشهر در مقابل رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی

و قاتله مزدوران رژیم

از صفحه ۱

یکسو و سپاه ضد خلقی و
 کمیته های سرکوبگر رژیم از
 سوی دیگر جریان یافت از چنان
 شدتی برخوردار بود که منجر به
 محاصره شهر توسط نیروهای
 ارتش ضد خلقی مستقر در پادگان
 پیرانشهر گردید . درگیری بین
 مزدوران رژیم چند روز بطول
 انجامید و در طی آن حداقل
 یک پلیس راهنمایی و رانندگی
 و یک کمیته چپ مزدور کشته
 شدند . در این مدت پیرانشهر
 کاملاً جیره یک شهر اشغال شده
 توسط دستجات مسلح را به خود
 گرفته بود و با وجود آنکه
 سرانجام با میانجیگری دیگر
 مزدوران رژیم از برخوردهای
 بیشتر ممانعت بعمل آمد ، ولی
 تا تاریخ دریافت این گزارش
 موج تشنج و ناامنی همچنان
 در سطح شهر جاری است .
 قضیه از آنجا آغاز شد که
 در اواخر آذرماه با تهاجم
 جدید و سعيانه مزدوران رژیم
 در سطح شهر به توده های
 زحمتکش و شکار وسیع جوانان
 و مردم بیگناه در محاصره
 خیابانها ، افراد کمیته های
 ضد خلقی با بستن یکی از معابر
 شهر توسط ماشینشان مانع
 رفت و آمد و تردد وسایط
 نقلیه و رهگذران شده و ترافییک
 سنگینی را بوجود آوردند . با

مشاهده این وضع یکی از
 ما مورین پلیس راهنمایی و
 رانندگی چندبار در سوت خود دمیده
 و با اخطارهای مکرر از
 کمیته چپها خواست که ماشینشان
 را در منطقه مناسبی پارک
 کنند . اما افراد کمیته چپ به
 این اخطارها توجهی نشان
 ندادند و با بالا گرفتن درگیری
 لفظی ، ناگهان مزدوران کمیته
 به پلیس مزبور حمله کرده و با
 انداختن زنجیر به گردن او با
 وحشیگری مختص خود وی را روی
 سطح خیابان کشیده و به قتل
 رساندند . در این هنگام ،
 درگیری بین دودسته از مزدوران
 رژیم شدت گرفت . بطوریکه
 مزدوران پلیس با مشاهده
 وضع و کشته شدن یکی از
 ما مورین پلیس به مزدوران
 کمیته هجوم برده و با سلاحهای
 کمری به آنها شلیک نمودند
 در جریان این درگیری نیز یکی
 از کمیته چپها که اهـــــــــــــــــــــــــــــــــل
 شاهین دژ و بانی ماجرا بود
 به ضرب گلوله از پای درآمد .
 با پخش خبر در سطح شهر
 موجی از شادی و شفق مردم
 پیرانشهر را فرا گرفت و مردم
 از اینکه مزدوران رژیم به
 جان یکدیگر افتاده اند اظهار
 خوشحالی نمودند .
 بدنبال درگیریهای

با توجه به وضع پیش آمده احتمال آن میرفت که شهر پیرانشهر به صحنه تصفیه حسابهای ضد خلقی دارودسته های مزدور رژیم و سگان زنجیری مبدل گردد، سرکردگان غیر نظامی جیره خوار رژیم برای جلوگیری از آبروریزی هرچه بیشتر شدیداً به تکاپو افتاده و امام جمعه خود فروخته پیرانشهر در راس تلاشهای مربوط به آشتی دادن دودسته از مزدوران قرار گرفت.

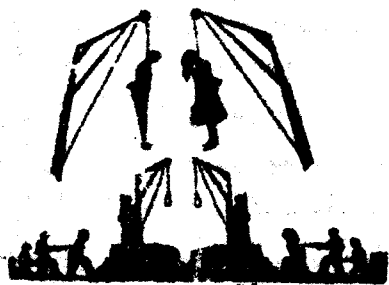
گزارش رسیده حاکی است که سرانجام با صرف کوششهای بیشمار به سردمداری امام جمعه خود فروخته این شهر جهت خواباندن قائله مزدوران رژیم نیروهای ارتش ضد خلقی از محاصره شهر دست برداشته و در حالیکه نیمی از مردم، شهر را تخلیه کرده بودند، از بقیه مردمی که به عجله در حال فرار از شهر بودند خواستند که در شهر باقی بمانند. برای کنترل بیشتر اوضاع و از ترس اقدامات مبارزه جویانه نوده ها و پیشگیری از آن، یکی دیگر از دژخیمان شناخته شده رژیم یعنی ملا حسنی جلاد نیز با عجله با یک هلیکوپتر از ارومیه به پیرانشهر آمد. با اینحال فضای تشنج و اصطکاک همچنان بر شهر حاکم است. اکنون چند روز است که برغم معمول از تردد کمیته جیها

و پاسداران در سطح شهر کاسته شده و برخلاف همیشه دویانها و مامورین پلیس در حالت آماده و مسلح به کلاشینکف به رفت و آمد در شهر پرداخته اند در این میان آنچه باعث وحشت و بیم و هراس مزدوران رژیم است، ابراز آشکار خشم و نفرت توده های تحت ستم میباشد. چرا که متعاقب با این رویدادها مقاومت مردم زحمتکش در مقابل موج جدید سربازگیری و شکار انسان توسط مزدوران رژیم فزونی یافته و حتی در مواردی صحنه های درخشانی از ابراز خشم و کینه بیحد توده های رنج دیده در مقابل رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی آفریده شده است.

به این ترتیب در بطن تلاشهای جنون آمیز رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی منی بر گسترش آتش جنگ امپریالیستی ایران و عراق و اعمال فشار بر توده ها جهت تامین منافع امپریالیستهار در این جنگ، یکبار دیگر تضادهای ناگزیر و دامنگیر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در انظار توده ها نمایانده شد و با عمق و شدت کم سابقه ای بنمایش درآمد. تضادهای که سرمنشاء آنرا قبل از هر چیز باید در مقاومت قهرمانانه توده های تحت ستم و رشدیابی مبارزات عادلانه آنها جستجو نمود. تضادهای که باید برای

گسترش هرچه بیشتر مبارزه و بخصوص مبارزات عادلانه و مسلحانه خلقهایمان مسرود استفاده قرار گیرد.

پس از اینکه قائلیه مزدوران در پیرانشهر ظاهر را خاتمه یافت، مسیزدوری از فرماندهان ژاندارمری به نام مهدی زاده مشغول سان دیدن از افرادی گردید که بنام با اصطلاح کاروانهای داوطلب جمع آوری گشته و راهی میدانهای جنگ امپریالیستی میشوند. در این میان شیر زنی که مزدوران رژیم برادرش را بزور شکار کرده و در کاروانهای مرگ جای داده بودند، از صف جمعیت جدا شده و به طرف فرمانده ژاندارمری بیورش برد و در حالیکه با نفرت و خشم بی پایان شعار مرگ بر خمینی سر داده بود، در همان ملاء عام سیلی محکمی به گوش فرمانده ضد خلقی ژاندارمری نواخت.



بیاد تمامی
شهیدای گمنام

از صفحه ۲۸

در ادامه با کمونیستهای بزرگی چون ژوزف جوگاشوویلی (استالین)، میخاشکایا، سرگواورژه نیکیدزه و غیره در ارتباط قرار گرفت. سپس در گرجستان در دانشگاه برق انستیتوی پلی تکنیک ادامه تحصیل داد و دیپلم مهندسی برق را دریافت کرد. در همین ایام یعنی ۱۹۰۵ از شرکت در محافل مارکسیستی و بحث و تبادل نظر قدم فراتر نهاد. و وارد حزب سوسیال دمکرات روسیه گردید.

رفیق حیدر عمو اوغلو سپس به باکو وارد شد و در کارخانه های مختلف به کار پرداخت. زمانی که در صنایع نفتی "تقی یفا" فعالیت میکرد بدلیل شرکت فعال و مستمر در مبارزات کارگران از جانب آنان به عمو اوغلو یعنی پسر عمو لقب یافت و همدوش با کمونیستهایی چون استپان شائومیان - و نریمان نریمانف و دیگران به فعالیتهای کمونیستی اش ادامه داد. زمانی که حزب سوسیال دمکرات تصمیم گرفت در میان کارگران فعلی ایران که در جاهای نفت باکو و معادن قفقاز کار میکردند به فعالیت سازمان یافته ای دست بزنند و حزب اجتماعیون - عامیون را بنیان نهادند، حیدر عمو اوغلو بدلیل تواناییها و فعالیتهای چشمگیر و پیگیری به سمت عضو کمیته

مروری بر زندگی سراسر حماسه رفیق حیدر عمو اوغلو

مرکزی این تشکیلات برگزیده شد و با انقلابیون و کارگران ایران در ارتباطی مستقیم قرار گرفت.

حیدر عمو اوغلو به منظور حفظ ادامه کاری مبارزه انقلابی اش در ایران در پوشش مهندس برق به استخدام دستگاه دولتی مظفرالدین شاه قاجار درآمد. مدت یکسال ونیم را در کارخانه برق مشهد گذراند و شورش توده ها را بر علیه نیرالدوله حاکم مشهد رهبری کرد؛ بعدا بخاطر تشدید فعالیت انقلابی اش در کارخانه چراغ برق حاج امین الضرب در تهران بکار پرداخت.

ورود حیدر عمو اوغلو به تهران مقارن بود با تحصن توده ها و بازاریان در سفارت انگلیس در اعتراض به ماجرای مسیو نوز بلژیکی و درخواست عدالتخانه. در همین ایام است که حیدر عمو اوغلو با جنبش و حرکت مردم برای مشروطیت، درآیام میزد و در تشویق و پایداری مردم در پیگیری خواست عزل عین الدوله و امضای فرمان مشروطیت از طرف شاه میکوشد.

رفیق عمو اوغلو در جنبش مشروطیت نقشی بس بزرگ ایفاء کرده است. او از یکطرف به سازماندهی توده ها و زحمتکشان

در میتینگ ها و تحصن ها و اعتراضات و جنگهای نظیر جنگ خوی و مرند میپرداخت و از طرف دیگر با پایه ریزی و گسترش تشکیلات حزب اجتماعیون - عامیون از طریق تشکیل حوزه های خصوصی و عمومی در تبریز - تهران، رشت، خوی و سایر شهرها وظیفه خطیرش را پیش میبرد، که نمونه مرکز غیبی تبریز یعنی کمیته مرکزی شاخه تبریز حزب اجتماعیون - عامیون، شهره خاص و عام است. بعلاوه او با شرکت وسیع و فعال در پراتیک مبارزاتی توده ها و تشکیلات انجمنها و تیمهایی که هر عضو آن فدائی ملت نامیده میشد با درپیش گرفتن شکلی از مبارزه مسلحانه یعنی ترور انقلابی و انفجار، عملا در تقویت جنبش توده ای و برطرف کردن برخی موانع مشخص از سر راه جنبش فعالانه کوشید؛ که از جمله ترور انقلابی اتابک اعظم (امین السلطان) بمباراندازی بسوی محمد علی شاه، ترور انقلابی شجاع نظام با ارسال بمب پستی، روانه کردن اسب انفجاری بطرف دشمن و غیره را میتوان نام برد. بویژه نقش حیدر عمو اوغلو در تقویت و گسترش قیام امیر خیز تبریز به رهبری ستارخان که بعد از استبداد صغیر روی داد اهمیت بسزائی داشت، و هماهنگی کردن فعالیت مشروطه خواهان گیلان برای کمک به انقلابیون

آذربایجانی و تصرف قزوین و دیگر شهرها از طرف مشروطه - خواهان بمنظور پایبندان دادن محاصره تبریز و نهایتاً فتح تهران نه تنها نقش شایمان توجه او را نشان میدهد بلکه بیانگر دید روشن عمو و غلو از روند وقایع و سیر حوادث نیز میباشد. این دید روشن و چشمانداز واقعی عمو و غلو از روند انقلاب مشروطیت و نقشی که از نظر داخلی و خارجی در آن شرایط میتوانست داشته باشد یکی از خصوصیات برجسته این پیشوای جنبش کمونیستی ایران بوده است که از اتکاء به یگانه تئوری علمی یعنی مارکسیسم - لنینیسم این ایدئولوژی طبقه کارگر جهانی ناشی میشده است و همین امر او را قادر میساخته است که همواره درک درستی از تحلیل مشخص اوضاع و بررسی دقیقی از توازن قوای انقلاب و ضدانقلاب داشته باشد. که جلوه‌های این امر در اسناد به جامانده از او مانند "تزهای عمو و غلو" و "برنامه حداقل" ارائه شده برای "حزب کمونیست ایران" آشکار است.

در این تزاها و برنامه حداقل حیدر عمو و غلو علاوه بر تحلیل درست از شرایط اقتصادی - اجتماعی آن زمان جامعه ما، به روشنی تمام بر نقش امپریالیسم و سیر انقیاد جامعه از طریق انحصارات،

اعتبارات مالی و بانکهای امپریالیستی، سازش تاکتیکی فتودالیسم و امپریالیسم و بزنقش دولتهای "فروخته شده" شاه به بیگانگان و امپریالیستها انگشت میگذارد و منجمله با تبیین درست مامعیت انقلاب ایران میگوید که: "انقلاب ایران فقط در شکل نهضت آزادیبخش ملی که هدفش رها شدن خلق از اسارت خارجی و تثبیت کامل استقلال سیاسی ایران باشد میتواند بوجود آید و پیروزمندانه تکامل یابد". و سیر این تکامل را با دستیابی به انقلاب اجتماعی و رسیدن به سوسیالیسم و کمونیسم ترسیم مینماید و برای دستیابی به اهداف حداقل یعنی قدم اول که آن را جنبش رهائیبخش ملی با هدف بیرون راندن امپریالیسم و سرنگونی دولتهای "فروخته شده" مشخص میکند، نیاز به ابزار و وسائل لازم یعنی حزبی که بتواند رهبری مستقیم کارگران و توده‌های زحمتکش را در دست گیرد، "ایجاد نیروی مسلح انقلابی ملی" یا "قشون ملی" و هماهنگی و برقراری اتحاد طبقات انقلابی و سازمانهای سیاسی نماینده آنها را بوضوح و موکدا گوشزد مینماید. در هر سه زمینه یاد شده، اثمرات و نتایج اقدامات حیدر عمو و غلو در تاریخ به ثبت رسیده است، که از ایجاد حزب اجتماعیون - عامیون تا تشکیل فرقه عدالت و پایه ریزی حزب

کمونیست ایران و برقراری ارتباط نزدیک آن با کنگره‌های انترناسیونالیستی و از تشکیل انجمنها و تیمهای عملیاتی تا سازماندهی نیروی مسلح در جریان جنبش مشروطیت و اقدامات اولیه ایجاد نیروی مسلح انقلابی و سازماندهی بهتر و وسیعتر انقلابیون مسلح در گیلان، از تلاش در ایجاد هماهنگی بین انقلابیون و اعتدالیون در مجلس ملی بعد از فتح تهران تا تاکید نظری و اقدام عملی روی ایجاد پیوند و یگانگی بین قیامهای کوچک خان و خیابانی همگی موید این امور و گواه بارز آنند.

بعلاوه حیدر عمو و غلو به حل صحیح تضادهای درون صف خلق همواره اهمیت درخور و لازم را میداده است و این نه تنها در اسناد به جامانده بلکه در کوششهای عملی‌اش در این زمینه بمثابه تجربیات تاریخی جنبش کمونیستی ایران در پیشرویی ما قرار دارد. این پیشوای بزرگ جنبش کمونیستی ایران چه در زمینه مبارزات درون حزبی و حل تضادهای آن در زمانیکه تحت تاثیر بلشویسم و منشویسم حزب اجتماعیون و عامیون ایران به ۲ جریان اجتماعیون عامیون و اجتماعیون ملیون تبدیل شد، چه در مبارزاتش برای متحد کردن صفوف خلق

گزارش زیر توسط یکی از هموطنان پناهنده پسران از زندان "سنترال جیل" کراچی نوشته شده که ما آنرا عیناً از نشریه "پیام شورا" شماره ۲ "ارگان شورای پناهندگان و اوارگان ایرانی در کراچی - پاکستان - نقل میکنیم .

گزارشی از زندان

سنترال جیل

پس از آنکه پرونده دو ایرانی را تکمیل کردند ما را از دادگاه با ماشین به مقصد نامعلومی میبردند تا اینکه برایمان مشخص شد که سه زندان جدید تحویلمان میدهند، و تحویل دادند، بخاطر عبور از درب اول هیچگونه بازرسی بدنی انجام نگرفت، ولی جلوی درب دوم بازرسی بدنی انجام گرفت، و کلیه ساعت‌های مچی و پولهای زندانی را میگیرند و داخل پاکتی بانام مینویسند، تا روزی که وضعیت زندانی مشخص گردد. پس از خاتمه یافتن بازرسی بدنی وارد حیاط شدیم. محوطه این زندان وسیع بود. ما را با سایر زندانیان جدید به قسمت "ماری" بردند. یک زندانی پاکستانی مسئول بازرسی بدنی زندانیان بود. پس از اتمام بازرسی بدنی من و رفیق "م" را به قسمت NEWGIAN آوردند، و داخل بند خارجها شدیم، تعداد زندانیان سیاهپوست بیشتر بود ولی از سایر

کشورهای دیگر فقط چند نفر از آلمان غربی و سری لانکا، کنیا، نیجریه، اینها تماماً جرمانان حمل و نقل و دادن هروئین به سایر کشورها بود، مثلاً یکی از سیاهان که فعلاً در زندان است ۲۵ کیلو هروئین در درون ویدئو جاسازی کرده بود ولی بعداً که به دادگاه رفت ۲۰۰۰۰۰۰۰ روپیه پول داد و تا دو ماه دیگر آزاد میشود. در اولین روز ورودمان به بند ایرانیان شروع به توضیح دادن در مورد وضعیت زندان و قوانینی که در این کشور وجود دارد، برایمان نمودند. تعداد ایرانیان ویزائی زیاد بود، ولی چند ایرانی بعلت حمل هروئین در فرودگاه کراچی دستگیر شدند، سه نفر دیگر ایرانی در این زندان هستند، وهمانهایی بودند که به پناهندگان چاقو زدند، و فعلاً در زندان هستند، و از قرار معلوم با ضمانت آزاد میشوند. قسمت NEWGIAN کلاً از ۵ بند تشکیل شده و ۳ بند اختصاص به خود زندانیان پاکستانی دارد، ولی ۲ بند دیگر یکی بنگلادشی و بند خودمان هم ۲۲ است. طول هر بند ۵۰ متر و عرض ۶ متر میباشد، ولی تمامی زندانیان با پتوهائی که خود زندان

داده است و پس از مدتی کثیف میشود و کسانی که ملاقاتی داشته باشند برایشان وسایل لازم را می آورند، ولی اکثر ملاقاتی ندارند، این زندان قسمتهای مختلف دارد، قسمت سیاسی و قسمت عادی، من و رفیق "م" را در میان مثنی معتاد و جانی جای داده اند، و هر قدر هم اصرار میکنیم تاثیری ندارد و نمیتوانیم هیچگونه واکنشی نسبت به وضعیت اینجا نشان دهیم.

زندان سنترال جیل ۲۰ هزار نفر زندانی دارد، در بند ۳۲ و هر بندی دیگر ۲۵۰ تا ۳۰۰ نفر زندانی دارد، در قسمت سیاسیون زندانی فراوان است. قسمت دیگر بنام "چکر" که زندانیان عادی میباشد و جرمانان هم خیلی بالاست، در قسمت دیگر زندان سنترال جیل بندی معروف است بنام بند "وال" که زندانی خواهد شد اعتراض کنند به بند وال میبرند، و بطور ۲۴ ساعت دست و پای وی را با زنجیر می بندند، و بطور مداوم مورد ضرب و شتم قرار میدهند، و پس از مدتی آن زندانی را به خود بند برمیگردانند، قسمت دیگر (بی کلاس) که کلاً اختصاص به کادرهای جریانات سیاسی پاکستان دارد، و تشکیل دادن دادگاه برای زندانیان سیاسی در خود زندان انجام میگیرد، وضعیت غذائی بسیار

ند است. نهار و شام همیشه یکنواخت است. صبحانه هم که فقط نان و چای میدهند، در درون برنج فلفل، موش و حیوانات مرده پیدا میشود. طی چند روزی بند خارجی ها به وضعیت برنج اعتراض کردند و مدتی است که برنج را خود زندانیان خارجی تحویل نمیگیرند و فقط اکتفا به خوردن دال میکنند، حتی خورش دال هم فقط آب خالی دارد. وضعیت بیمارستان اینجا بسیار اسفناک است و هیچگونه داروئی برای درمان بیمار وجود ندارد. حتی قرص ویتامین C و دیگر ضروریات ابتدائی از لحاظ اینکه جان زندانیان برای همیشه سلامت باشد، وجود ندارد. از لحاظ محیط بهداشتی بسیار بد است. بیشترین زندانیان پاکستانی و بعضی از خارجیها، بسبب بیماری اسهال و مرضهای گوناگون مبتلا شده اند، و حتی به سایر زندانیان دیگر هم سرایت کرده است. مانند بیماری پوستی، قارچ، خارش، جوش مداوم، حتی مالاریا که جان ۲ زندانی پاکستانی را گرفت، و اگر در میان زندانیان آدمی پولدار پیدا شود برای آن شخص همه نوع امکانات اعم از دکتر، وسایل مورد نیازش را تامین میکنند، ولی حتی اگر یک زندانی عادی و سیاسی بیمار شود اصلاً برای کسانی که این زندان را اداره

میکند تفاوتی ندارد که چه نیمه جان باشد و چه بمیرد. راستی هر هفته روزهای یکشنبه و پنجشنبه به هر کدام از زندانیان ۵ گرم گوشت میدهند، وضعیت آب آشامیدنی اصلاً مناسب زندانیان نیست و گرمهای ریز و درشت و سایر جانوران دیگر وجود دارد و ما مجبوریم از همین آب برای خوردن و استحمام استفاده کنیم و دچار بیماریهای گوناگون میشویم. نحوه برخورد نگهبانان با خود زندانیان عادی و سیاسی پاکستان بسیار بد است. بسبب خارجیها زیاد کاری ندارند. و فقط از خارجیها انتظار دارند که قوانین زندان را رعایت کنند، از سیستم اداری اینجا اطلاع کافی ندارم، ولی هرکاری که بخواهد انجام بگیرد، براساس پول انجام میگیرد، و فقط با دادن رشوه قادر هستی معضل خود را حل کنی، البته نظامهای سرمایه داری اینطوری هستند و اینطوری عمرهای جوانان به بطالت میگذرد، و هیچ هدفی برای کلیه انسانها باقی نمیگذارد.

با تشکر ع - ب



نیکی را چه سود؟

نیکی را چه سود
هنگامی که نیکان، در جا سوکوب میشوند،
و هم آنان که دوستدار نیکانند؟

آزادی را چه سود
هنگامی که آزادگان، باید میان
اسیران زندگی کنند؟

خرد را چه سود
هنگامی که جاهل، نانی به چنگ
میاورد،
که همگان را بدان نیاز است؟

۲
به جای خود نیک بودن، بکشید
چنان سامانی دهید، که نفس نیکی
ممکن شود
یا بهتر بگویم
دیگر به آن نیازی نباشد.
بجای خود آزاد بودن، بکشید
چنان سامانی بدهید، که همگان
آزاد باشند
و به عشق ورزی به آزادی نیز
نیازی نباشد.

به جای خود خردمند بودن، بکشید
چنان سامانی دهید، که نابخردی
برای همه و هر کس
سودایی شود بی سود.

" برتولت برشت "

گفته‌ها و نگفته‌ها

* محمد باقر اخوندی در مجلس
 ضد خلقی گفت: "سرجنگل‌داری
 مراغ حریم روستاها را
 تصرف کرده و روستاها را
 را خلق بد میکنند و آنها حق
 استفاده از آن مراغ را ندارند"

* در روزنامه‌های رژیم به نقل
 از یک کارگر رفتگر آمده است
 که: "ای بابا وضع کارگرا که
 تغییری نمیکند ۰۰۰۰ اگر من
 بازنشسته شوم حقوق میشه
 ماهی ۲۲۸۰ تومان با این
 حقوق من نمیتوانم خرجم
 بگذروم هشت‌سر عاقله دارم و
 نسبان اور ندارم"

* محمد جواد ایروانی
 وزیر امور اقتصادی و دارایی
 اعتراف کرد که: "بیش از ۳۰
 شرکت با نامهای مختلف تحت
 پوشش بنیاد نبوت در زمینه‌های
 مختلف به فعالیت اشتغال
 داشته و تا به حال با
 استفاده از دزدی و ارتشاء
 توانسته‌اند بدون اینکه
 مالیاتی پرداخت نمایند
 میلیاردها دلار سوءاستفاده
 کنند. یکی از این سی
 شرکت، مجتمع صنعتی و
 بازرگانی پیام میث است
 که سودهای کلانی توانسته به
 جیب بزند. گروههای سیاسی
 و یا عناصر سیاسی برای فراهم
 آوردن اینده سیاسی خود
 پایگاههای اقتصادی ایجاد
 کرده‌اند تا با تغذیه مالی
 از این پایگاهها به اقدامات
 مورد نظر خود دست یابند"

سید فرج‌الله افرازیده نماینده
 نوشهر گفت:
 که باعث تاسف است، بیعت
 این خط و یا آن خط است و
 هرجایی در تلاش است تا
 مخالف خود را به هر نحوی
 از صحنه بیرون کند، گروهی
 باضمار طرفداری از محرومین،
 مخالفین خود را به یادشام
 واهات گرفته، طرز نظارتی
 از سرمایه‌داران بر پیشانی آنان
 می‌چسباند، جناح مخالف هم
 باضمار طرفداری از فقه‌مندی،
 مخالفین خود را به لایالی‌گری
 و دروغ‌گویی بی‌شعوری متهم
 نموده،

چنانچه
 کسی به نام مقدسات دینی یا
 ساختن چهره و قیافه مذهبی
 بتواند بنیاد نبوت که خیانته
 آشکار شد و بنیادهای دیگر
 که هنوز به سراشان نرفته‌اند
 دست به دزدی و خیانت بزند
 باید تمامی اموال آنها مصادره
 شود و به سخت‌ترین مجازات
 برسد

بیشینه ۱۰ دی ۱۳۶۶ صفحه ۴

گفته‌ها و نکته‌ها

* محتشمی وزیر کشور درباره صندوقهای قرض الحسنه میگوید: "بطور مثال سرمایه یکی از همین صندوقها در سال گذشته ۸۰۰۰۰۰ تومان بود، که سود امثال آن به ۱۴ میلیون تومان رسیده است."

* در حالیکه شیوخ و خوانین در منطقه ماهشهر ظرف دو سال گذشته ۲۰ روستا را به قتل رسانده اند و مرکز ماهشهر اعتراف میکند که: "ارگانهای دولتی در مورد قاتلین و زمینداران بیگری تا کنون هیچگونه تعقیب و یکی از اعضای باصطلاح شوروی نیز میگیرید اموال شیوخ روستا بعد از انقلاب مصادره شده ولی در سال آتی مجدداً به آنها بازگردانده شد."

* در مجلس ارتجاع محمودی نماینده گلپایگان اکرمی وزیر آموزش و پرورش را مورد سوال قرار داد که "چرا رئیس آموزش و پرورش گلپایگان را بخاطر عدم ملاحظتهای قانونی و شرعی تغییر سمت نمیدهد؟" اکرمی در پاسخ گفت: "آموزش و پرورش گلپایگان قبل از آمدن من مشکلاتی داشته و اقبای محمودی دخالتهای داشتند که ما نتوانسته ایم اقدام فوری بکنیم." اکرمی در ادامه سخنانش گفت: بر اثر اطلاعات واصله برادر محترم آقای محمودی امام جمعه و نماینده مردم گلپایگان در امور مربوط به آموزش و پرورش شهر گلپایگان در جهت ایجاد هماهنگی عمل ننموده و بعضاً اختلاف نظرهای موجود بین وسیله ایشان به بیرون کشانده میشود که شمری جز تضعیف دولت جمهوری اسلامی و در نهایت سلب اعتماد امت مسلمان ندارد."

اطلاعات

شنبه ۵ دی ۱۳۶۶

دیدار از منطقه پارسستان، نازل بودن سطح بهداشت عمومی و رواج بیماری های مختلف را به وضوح نشان می دهد. رنگ پریدگی و چهره های استخوانی، لاغری مفرط، زخم های چرکین بر پوست دست و صورت و دیگر علائم ضعف جسمانی برخی افراد از فقدان بهداشت و سوء تغذیه در این استان حکایت دارد.

هنگام بازدید از یک روستای بزرگ در ۱۷۰ کیلومتری شمال چاه بهار دیدیم که کار دارو فروشی و نسخه پچی برای بیماران را، یک مغازه خوار وبار فروشی به عهده گرفته بود.

در مسیر ۳۵۰ کیلومتر میان چاه بهار و آبرانشهر مطلقاً از پزشک ایرانی خبری نیست و تنها در بعضی روستاهای بزرگ، پزشکان بنگلادشی هندی و پاکستانی فعالیت می کنند که به گفته مردم، مشکل زبان و مشکل اختلاف فرهنگی، مانع بازده عمیق کار این پزشکان می شود.

مارکسیسم و انقلاب



چرا جنگ طولانی خواهد بود ؟

"چرا جنگ طولانی خواهد بود ؟" قسمتی از کتاب رفیق مانو بنام "درباره جنگ طولانی" میباشد که در سال ۱۹۳۸ به رشته تحریر در آمده است، بمناسبت ۵ دیمه سالروز تولد رهبر کبیر چین به چاپ آن در این شماره پیام فدائی مبادرت نمودیم.

نیست، نیز صدق میکند. کم کم زیاد، یا کم بین المللی عاملی مهم ولی فرعی است که بر تاثیر آن تابع عوامل اساسی طرفین جنگ است. از اینرو وقتیکه ما میگوئیم جنگ مقاومت ضد ژاپنی جنگی است طولانی، نتیجه گیری ما متکی بر ارزیابی رابطه متقابل کلیه عوامل دو طرف متخاصم است. خطر انقیاد ما از اینجا ناشی میشود که دشمن قوی است و ما ضعیفیم. ولی از لحاظ دیگر دشمن دارای نقاط ضعف است، ما مزایای داریم. ما میتوانیم با مساعی خود از امتیاز

گرفتن ضعف در برابر قوی نمیتواند طولانی گردد و بهمین ترتیب نمیتواند فقط بدلیل اینکه، یکی از دو کشور بزرگ است و دیگری کوچک، یکی متری است و دیگری ارتجاعی و یا اینکه یکی از پشتیبانی وسیع بین المللی برخوردار است و دیگری نیست، طولانی گسرد. غالباً اتفاق میافتد که کشوری بزرگ یک کشور کوچک را میبلعد و یا بالعکس. و اغلب اتفاق میافتد که کشوری متری که نیرومند نیست، از طرف یک کشور بزرگ ارتجاعی نابود میشود؛ این حقیقت در مورد هر چیز دیگری که متری است ولی نیرومند

اینکه به بررسی مسئله جنگ طولانی بپردازیم. باین سوال که: "چرا جنگ طولانی خواهد بود؟" فقط وقتی میتوان جواب صحیح داد که تمام عوامل اساسی اختلافات موجود بین مسلمانان مورد توجه قرار گیرند. مثلاً اگر ما فقط بگوئیم که دشمن یک کشور نیرومند امپریالیستی است و ما یک کشور ضعیف، نیمه مستعمره، نیمه فئودالی هستیم، آنوقت خطر لغزش به تئوری انقیاد ملی پدید خواهد گشت. زیرا که یک جنگ، نه در تئوری و نه در عمل، تنها با قسر

دشمن بکاهیم و نقاط ضعفش را تشدید کنیم و در عین حال مزایای خود را افزایش دهیم و بر نقطه ضعفمان غالب شویم. بدین ترتیب میتوانیم پیروزی نهائی را بدست آوریم و جلوی انقیاد را بگیریم، در حالیکه دشمن سرانجام شکست خواهد خورد و دیگر قادر نخواهد بود از اضطراب تمام رژیم امپریالیستی خود جلوگیری کند.

از آنجا که دشمن فقط در يك زمینه مزیت دارد و در زمینه‌های دیگر دارای نقاط ضعف است، ولی ما فقط در يك زمینه نقطه ضعف داریم و در زمینه‌های دیگر مسئله مطرح میشود، این مسئله چرا چنین وضعی به تعین نیروه‌ها منجر نگشته بلکه بر عکس به برتری دشمن و فروتری ما منتهی شده است؟ کاملاً روشن است که مسئله را نمیتوان بطور صوری بررسی کرد. واقعیت این است که تفاوت قوای ما و دشمن اکنون بسیار زیاد است و نقاط ضعف دشمن هنوز حیثیت نیافته‌اند و فعلاً نمیتوانند قدرت ویرا خنثی کنند، حیثیت یابنده و در عین حال مزایای ما هنوز رشد نکرده است و عجزاً نمیتوانند تا آنحد

که ضعف ما را جبران کنند، رشد نمایند؛ از اینروست که تا کنون تعادل نیروها، ممکن نگردیده است بلکه فقط عدم تعادل وجود داشته است. گرچه تلاش ما برای بایداری در جنگ مقاومت و حفظ جبهه متحد، تناسب قدرت و برتری دشمن و ضعف و فروتری ما را تا حدودی تغییر داده است، معذالک این تغییر هنوز اساسی نیست. از اینسرو در مرحله معینی از جنگ دشمن میتواند تا حدی پیروز شود و ما تا اندازه‌ای با شکست مواجه خواهیم شد. مورد بحث پیروزی دشمن و شکست ما بدرجه معینی محدود میشود و نمیتواند بیک پیروزی یا شکست کامل منتهی گردد؛ علت اینست که اولاً قدرت دشمن و ضعف ما از همان احوال نسبی بوده است، نه مطلق؛ ثانیاً تلاش ما برای بایداری در جنگ مقاومت و حفظ جبهه متحد این نسبی بودن را بازم بیشتر کرده است. در مذایسه با وضع اولیه، دشمن با اینکه هنوز قویست ولی عوامل نامساعد قدرت او را تحلیل هنوز بحدی نیست که برتری دشمن را از بین ببرد و ما با اینکه هنوز ضعیف هستیم، ولی عوامل مساعدی هست که این ضعف ما را جبران میکند،

مع الوصف خود این جبران نیز هنوز بان درجه نرسیده است که به فروتری ما پایان بخشد. بدین ترتیب است که نسبت نسبی دشمن و ضعف نسبی ما و همچنین برتری نسبی دشمن و فروتری نسبی ما نمایان میشود. قدرت و ضعف، برتری و فروتسری در هر دو طرف هرگز مطلق نبوده است و بعلاوه تلاش ما برای بایداری در جنگ مقاومت و حفظ جبهه متحد در جریان جنگ وضع اولیه را - قدرت و برتری دشمن، ضعف و فروتری ما - بیشتر بنفع ما تغییر داده است. از اینسرو در مرحله معینی از جنگ پیروزی دشمن و شکست ما بدرجه معینی محدود میشود و در نسبت بدینجهت است که جنگ طولانی میگردد.

ولی اوضاع به تغییر ادامه میدهد. اگر ما بتوانیم در جریان جنگ، تاکتیکهای نظامی و سیاسی صحیحی بکار ببریم و مرتکب اشتباهات اصولی نشویم و تمام سعی و مساعی خود را به بهترین وجه بنویسیم، انوقت کلیه عوامل نامساعد دشمن و عوامل مساعد ما به نسبت پیشرفت جنگ قوت خواهند گرفت، تناسب اولیه قوای طرفین و برتری دشمن بر ما بیشتر بعوض میگردد. تغییر خواهد کرده هنگامیکه مرحله نوینی آغاز شود،

پیام فدائی

ارگان جریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم

شماره ۱۷ - دی ۶۶

هر تناسب قوای طرفین و برتری ذهن بر ما تغییر اساسی صورت خواهد گرفت و شکست دشمن و پیروزی ما منتهی میگردد.

هر حال حاضر دشمنان کماکان میتواند از قدرت خود کم و بیش بهره برداری کند زیرا جنگ مقاومت ما هنوز او را کاملا تضعیف نکرده است. کمبود منابع انسانی و مالی دشمن هنوز با تندی نیست که تعرض او را متوقف سازد بلکه بکن این منابع انسانی و مادی هنوز میتواند بسیار تعرض او را تا حد معینی تحمل کند. خطرات ارتجاعی و وحشیانه جنگ یعنی عاظمی که انتاگونیسم طبقاتی زاین را حدت میبخشد و مقاومت ملت چین نیرو میدهد، هنوز چنان وضعی ایجاد نکرده است که بتوان از ادامه تعرض دشمن بطور اساسی جلوگیری نموده افراد دشمن در هضم بین المللی بعنوان يك عناصر که تازه رو به شدت نهاده، هنوز به کمال نرسیده است. در بسیاری از کشورهایی که برای کمک به چین ابراز تمایل کرده اند، سرمایه دارانی که به تجارت اسلحه و مواد جنگی مشغولند و انحصاری جز سودجویی در سر ندارند، هنوز مذاکره زیادی مسواک جنگی برای زاین تهیه میکنند (۱) و دولتشان (۲) هم تاکنون

حاضر نشده اند. با تفاق اتحاد شوروی زاین را عملا مجازات نمایند. از تمام اینها چنین نتیجه میشود که جنگ مقاومت ما نمیتواند زود به پیروزی بیانجامد بلکه فقط میتواند جنگی طولانی باشد. ولی در باره آنچه که مربوط به چین میگردد، میتوان گفت که این کشور در ظرف ده ماه جنگ مقاومت، در زمینه های نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، بهینه های در زمینه هایی که ضعف وی ظاهر میکند، تا حدی به ترقی نایل آمده است. ولی هنوز تا آن حدی که برای قطع تعرض دشمن و تدارک تعرض متقابل ما لازم میاید، راهی طولانی در پیش است. علاوه بر این ما از نظر کمی نیز ناچار بودیم متحمل ضایعاتی شویم. تمام عواملی که

بسرود ما هستند با وجود اینکه بیافرا نقش مثبت خود ادامه میدهند، هنوز برای قطع تعرض دشمن و تدارک تعرض متقابل ما کافی نیستند، مگر آنکه ما بر تلاش خود شدت بیافزاییم. اکنون این هنوز به تحقق نپیوسته است که در داخل کشوری پدیده های فساد از بیست برزند و اهنگ ترقی افزایش بیاید. در خارج از کشور نیروهای طرفدار زاین مهمل بشوند و نیروهای ضد زاینی رشد کافی کنند. از تمام اینها باز نتیجه میشود که جنگ ما نمیتواند زود پیروز شود. بلکه فقط میتواند جنگی طولانی باشد.



قدرتهای امپریالیستی نظیر بریتانیا، آمریکا، و فرانسه است.

* - در اینجا منظور بطور عمده ایالات متحده امریکاست. * * - در اینجا منظور

برای وصل ارتباط با سازمان رفقای هوادار! خلق ایران در کردستان نهران مراجعه نمایند.

گزیده‌هایی از وادی پر صدای چریک‌ها

بازگشت پناهندگان اخراجی
از کین شکست سازش ننگین فرانسه و
جمهوری اسلامی

۶۶/۱۰/۲۸

زندانیان سیاسی آزاد باید گردند

۶۶/۱۰/۱۳

جمهوری اسلامی در کنار اسرائیل

بر علیه فلکهای منطقه

۶۶/۱۰/۳۰

پس از قریب به چهل روز اعتماد غذای پناهندگان اخراجی به گامین سرانجام دولت مرتجع فرانسه یعنی مفتضانه ترین شکلی مجبور به عقب نشینی گردید و اجباراً با بازگشت پناهندگان اخراجی به فرانسه و اروپا موافقت نمود. و به این ترتیب اخراج پناهندگان سیاسی از فرانسه که جزئی از معامله ننگین دولت فرانسه با جمهوری اسلامی بود، به اعتبار مقاومت پناهندگان سیاسی و اعتراض افکار عمومی نسبت به این اقدام وقیحانه در بستر تشدید تضادهای درونی طبقه حاکمه در فرانسه حاصلی جز ننگ و رسوائی برای دولت فرانسه بیار نیورد.

لغو حکم اخراج پناهندگان سیاسی علیرغم تمامی ادعاهای واهی دولت فرانسه بر علیه آنها و علیرغم تاکیدهای مکرر شيراك نخست وزیر فرانسه مبنی بر "غیر عملی" بودن تجدید

در طول تاریخ همیشه رژیمهای ضد خلقی رجعت تا مین منافع طبقات استثمارگر/ حفظ و حراست از سلطه منحوس خویش به اشکال گوناگون توده های ستم دیده/ و مبارزین بر علیه نظم موجود را سرکوب نموده و بازندان و شکنجه به مقابله با خواستهای برحق آنها برخاسته اند؛ طبقات استثمارگر با توسل به زندان و شکنجه و اعدام مبارزین میکوشند تا در عزم و اراده پولادین آنها برای تغییر وضع موجود/ ظلم وارد سازند و بدین ترتیب از رشد مبارزه توده ها جلوگیری نمایند؛ ولی مبارزه بر علیه ظلم و بیدادگری که جزء ذاتی هر نظام مبتنی بر مالکیت خصوصی است، در طول تاریخ هرگز متوقف نگشته و توده های ستم دیده برای رسیدن به اهداف مبارزاتی خود/ از پای ننشسته اند؛ تجارب تاریخی نشان میدهد هر آنجا که توده ها بمبارزه خود بر علیه ظلم و بیدادگری/ شدت بیشتری

در صفحه ۲۷

رژیم وابسته اسرائیل امپریالیسم جمهوری اسلامی در راستای سیاستهای ارتجاعی در تداوم جنگ امپریالیستی ایران و عراق پس از ماهها تبلیغات جهنمی در رابطه با ضرورت تداوم جنگ و آغاز عملیات سرنوشت ساز، عمده یکشنبه بیست و هفتم دیماه عملیاتی را در منطقه مساوت کردستان عراق آغاز نمود که فریبکارانه آن را "بیت المقدس" نام گذاری کرد.

خرازی مسئول ستاد تبلیغات جنگ رژیم در محاصره های با رادیوی رژیم در بیست و هشتم دیماه در این زمینه اعلام نمود که: "نامی که برای این عملیات گذاشته شده، که نام بیت المقدس است این خودش معنای بسیار عمیق و جالبی میتونه در برداشته باشه برای مسلمونهای منطقه، برای مسلمونهای فلسطینی و برای مردم خودمون، این معنا داره که پیروزی مسلمونهای فلسطینی

در صفحه ۲۹

نظر در دستور اخراج پناهندگان اگر بروشنی نشان دهنده شکست دولت فرانسه در مقابل مقاومت پناهندگان اخراجی و معتزضین به این اقدام میباشد، در همان حال واقعیت اتهامات بی اساسی را که در توجیه این اخراجها طرح میگردد را نیز باید دید که بروشنی آشکار میسازد و با وضوح هرچه بیشتری نشان میدهد که اخراج پناهندگان از فرانسه به گاین بدلیل اخلاقی در "امنیت عمومی" و یا ایجاد "مخاطرات امنیتی" صرفاً توجیهی بود برای لاپوشانی معامله بشرمانه دولت شیراک با رژیم مزدور جمهوری اسلامی، برای پایان بخشیدن به جنگ سفارتخانه ها و در واقعیت این پناهندگان سیاسی صرفاً قربانیان بیگناه این "دادوستد" ننگین بودند.

دولت شیراک با معامله بر سر جان پناهندگان سیاسی و لگدمال کردن تمامی حقوق برسمیت شناخته شده پناهندگی ضمن پیشبرد سیاستهای امپریالیستی اش قصد داشت با آزادی چند گروهگان فرانسوی در لبنان موقعیت هرچه بهتری در انتخابات آینده کسب نماید اما مقاومت پناهندگان اخراجی و اعتصاب غذای طولانی آنها و خاتواده هایشان در اعتراض به این معامله کثیف و تشدید روزافزون تضادهای درونی طبقه حاکمه در فرانسویهای

شیراک را نقش بر آب ساخت و او را مجبور به پذیرش شکست نمود، امری که در همان حال برای رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که با بيشرمنی تمام در معامله کثیف با دولت فرانسه خواهان ایجاد محدودیتهای هرچه بیشتری برای فعالیت اپوزیسیون ایران و اخراج پناهندگان میسازد ایرانی گردیده بود شکست خفت باری تلقی میگردد.

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی پس از همه فجایعی که در ایران آفریده و سرکوب ددمنشانه ای که بر توده های ستمدیده ما اعمال نموده از آنجا که نتوانسته است روحیه مبارزه جویی خلقهای ما را نابود سازد در اوج ننگ و رسوایی با توسل به این

اقدامات کثیف میکوشد خود را قدر قدرت جلوه داده تا چند صباحی بیشتر به حکومت سراسر جنایت خود تداوم بخشد. اما اگر رژیم ددمنش جمهوری اسلامی مجبور میگردد برای قدر قدرت جلوه دادن خود جدا از همه جنایاتی که هر روزه در ایران مرتکب میگردد برای مقابله با نیروهای مبارز در خارج از کشور نیز به چنین دادوستدهای رذیلتناهی متوسل گردد، خود این واقعیت بیانگر وحشت روزافزون رژیم از ستارزات ضد امپریالیستی خلقهای ماست مبارزه ای که تا رسیدن به آزادی پیش خواهد رفت و فرجامی جز شکست برای جمهوری اسلامی نخواهد داشت.

زندانیان سیاسی آزاد باید گردند

از صفحه ۲۶

سعی ایجاد کنند، این تملاتی بخشیده اند، استعمارگران زالو صفت نیز مجبور گشته اند برای حفظ سلطه جابرانه خود/بیش از گذشته به سر نیزه و سرکوب توسط حسته/و همه سلاحهای خود را به میدان آورند/تا آنجا که دیگر توانائی حفظ سلطه خود را از دست داده/و با قدرت توده ها به زیاده دان تاریخ افکنده شوند. • هر جا ظالمان و جابران بی با وحشی گری بیشتری به سرکوب توده ها پرداخته و کوشیده اند در مقابل مبارزه پرشکوه آنان

سعی ایجاد کنند، این تملاتی مذبحخانه همانا بخاطر پوشالی بودن قدرت آنها و رشد نفرت توده ها از استعمارگران/و خلعت گذشته به سر نیزه و سرکوب توسط حسته/و همه سلاحهای خود را به میدان آورند/تا آنجا که دیگر توانائی حفظ سلطه خود را از دست داده/و با قدرت توده ها به زیاده دان تاریخ افکنده شوند. • هر جا ظالمان و جابران بی با وحشی گری بیشتری به سرکوب توده ها پرداخته و کوشیده اند در مقابل مبارزه پرشکوه آنان

از رژیم مزدور جمهوری اسلامی و رشد مقاومت و اعتراض آنها / این رژیم مجبور است برای حفظ مالکیت خصوصی و جلوگیری از نابودی محتوم حاکمیت سرمایه داران و زمینداران زانو- صفت/ یاد دهنشی هرچه بیشتری به سرکوب توسل جوید؟ چرا؟ به لحاظ آنکه مرگ خود را در رشد مبارزات عادلانه توده ها می بیند / و چاره ای ندارد جز آنکه با وحشیگری تمام / توده ها بتازد / و ایران را به زندان بزرگی برای خلقهای ما تبدیل ساخته / و به این ترتیب از رشد مبارزه جلوگیری کند . این حکم تاریخی کینه استعمارگران وقتی مرگ محتوم خویش را نزدیک و نظم موجود را باخطر نابودی مواجه می بیند ، درنده خوئی بیشتری از خود نشان داده ، و قدرت مافی قلد رمنشان آنها ناشی از ضعف و زوونیشان میباشد ، بروشنسی حیرت انگیزی در مورد رژیم منفور و وابسته جمهوری اسلامی مصداق دارد . جمهوری اسلامی با تکیه بر خرافات آسمانی و مقدس مآبی ریاکارانه برای حفظ تقدس پوچ مالکیت زراندوزان با برپا نمودن صدها زندان در گوشه و کنار کشور و پر نمودن آنها از کمونیستها و دیگر مبارزین و اعمال شگجه ها و اقدامهای وحشیانه میکوشد ، از سرنوشت گریزناپذیر خود که همانا نابودی نظام سرمایه داری وابسته

و سرنگونی این رژیم است بگیرد . ولی رژیم کینه در سیاهچالهای مخوفش بهترین فرزندان خلق در زیر تازیانه جلادان جنایتکاری همچون لاجوردی ها قرار دادند ، و با انقلابیونی میخواست که حتی در زیر شکنجه ها و وحشیانه مزدوران جمهوری اسلامی از مقاومت دست برداشته و بترسیدارند ، افول عمر ننگینش را میگذارند ، و دیربیا زود به زباله دان تاریخ سپرده خواهد شد . صحنه های حماسی که زندانیان قهرمان از مقاومت خویش در شکنجه گاهای رژیم میسازند ، دقیقاً مقاومت خلقی را بیانگر هستند که عزم جزم کرده است تا نابودی سلطه امپریالیسم و سگهای زنجیریش از پای ننشینند ، اگر زندانیان جمهوری اسلامی را به اعتبار فجایع ای که هرروزه در آن اتفاق می افتد به حق باید از زمره مخوفترین سیاهچالهای جهان قلمداد نمود . که هیچ قانونی به آن حاکم نمیشد؟ و کمونیستها و دیگر مبارزین هرلحظه به آسانی با مرگ مواجه میگرددند ، در همان حال وجود اینهمه زندان و زندانیان سیاسی در این شرایط را نیز باید به حساب مقاومت گسترده خلقی گذاشت که در زیر ددمنشانه ترین سرکوبها نیز از مبارزه دست برداشته و فرزندان دلاورش در زندانهای جمهوری اسلامی نیز در همین شرایط حتی تا مبارزت

به اعتصاب غذا نشان میدهند که حاکمیت جمهوری اسلامی تا چه حد پوشالی است . اعتصاب زندانیان سیاسی در اوین و گوهردشت ، اعتصاب شیرزنان مبارز در زندان سنندج و مقاومت دلاوران زندانیان سیاسی در سیاهچالهای دیزل آباد کرمانشاه ، همه و همه نمونه هایی است از این مقاومت برحق و نمونه ای است از مبارزه خلقی که بیسرای رسیدن به آزادی مرگ را بسخره گرفته است .

خلقهای قهرمان :

صدیقترین فرزندان شما در سیاهچالهای مرگبار جمهوری اسلامی با مرگ دست و پنجه نرم میکنند و دژخیمان رژیم از هیچ جنایتی در حلق فرزندان دلاور شما دریغ نورزیده اند . وظیفه شماست که در پشتیبانی از زندانیان سیاسی بیاخیزید و صدای اعتراض خود را بر علیه اعمال جنایتکارانه رژیم در حق زندانیان سیاسی هرچه وسیعتر سازید ، به هر وسیله ای که میتوانید به خانواده زندانیان سیاسی که فرزندان نشان در زیر تیغ جلاد قرار دارند یاری رسانید و شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد را بر درفش مبارزاتی خود حشک نمائید ، مطمئن باشید که جویبارهای مبارزاتی گوناگون

که بخاطر تحقق بسیاری از خواستههای برحق و انقلابی توده‌های رنج‌دیده ما در هر گوشه از جامعه جاری است ، روزی به‌هم پیوند یافتند ، و دریائی بوجود خواهد آورد که تمام ننگ و کثافات موجود در جامعه ، آثار استثمارگران و جنایتکاران ، را در خود می‌شوید ، و زندگی سعادت‌مندی

را برای خلقهای دربند به ارمغان می‌آورد .

دروذیراسرا و زندانیان سیاسی که دلیرانه درمقابل شکنجه‌های قرون وسطائی دژخیمان وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی مقاومت می‌ورزند

جمهوری اسلامی در کنار

از صفحه ۲۶

و پیروزی ما در برابر رژیم عراق اونها هر دو به هم پیوند دارند و درواقع دوروی یک سکه هستند .

این سخنان بوج و دروغین از زبان مزدورانی خارج میشود که خود دست‌درست صهیونیستهای اسرائیلی و مزدورانشان در لبنان در سرکوب خلق قهرمان فلسطین فعالانه شرکت دارند . مزدورانی که کینه واقعیت روابط آنها با اسرائیل گلیرغم همه شعارهای ضد اسرائیلی‌شان دیگر بر کسی پوشیده نمانده و تا کنون مدها مدرک و دلیل در رابطه با معاملات تسلیحاتی اسرائیل با جمهوری اسلامی چاپ و منتشر گردیده است .

در نتیجه کذب بودن تبلیغات جمهوری اسلامی مبنی بر حمایت از مردم فلسطین و

بتواند در جهت منافع اربابان خود و همین اسرائیل جنایتکار گام بردارد . وگرنه چه کسی است که نداند مزدوران رنگارنگ جمهوری اسلامی در لبنان از حزب الله گرفته تا امل اسلامی اتفاقا همسان نیروهائی هستند که هر روزه بر علیه خلق فلسطین به توطئه چینی جدیدی متوسل میگردند . در واقعیت مخالفت جمهوری اسلامی با اسرائیل را نه تنها از سیل سلاحهای اسرائیلی که بسوی جمهوری اسلامی جاری است میتوان دریافت بلکه این موضوع را در منافع زیادی که اسرائیل از تداوم جنگ ایران و عراق میبرد نیز بهتر میتوان درک کرد چرا که بواقع جنگ ایران و عراق جدا از همه منافی که به امپریالیستها و سرمایه‌داران زالوصفت میرساند ، یکی از مهمترین رویدادهای منطقه در جهت منافع اسرائیل میباشد که از زوایای گوناگون باعث تقویت مواضع ارتجاعی و ضد خلقی صهیونیستها در خاورمیانه گردیده است .

بنابراین نا مگذاری هجومهای متعدد در این جنگ بنام این یا آن مقدسات توده‌ها و از جمله بیت المقدس تغییر در این امر نمیدهد . برای درک هرچه بیشتر وقایع تبلیغات جمهوری اسلامی و ماهیت تبلیغات سراسر دروغ این

مبارزات دلاورانه این خلق که بخصوص در یکماه اخیر اوج هرچه بیشتری یافته است آنچنان واضح و روشن است که احتیاج چندان به توضیح بیشتری ندارد ولی اینکه رژیم مزدور خمینی در حالیکه در جهت منافع اربابان امپریالیستش بر طبل جنگ میکوبد و در همانحال میکوشد به خود چهره‌ای ضد امپریالیستی و ضد اسرائیلی بدهد ، از این واقعیت ناشی میشود که امپریالیستها و اسرائیل بمثابه دشمنان خلقهای منطقه آنقدر برای توده‌ها شناخته شده هستند که دیگر نمیشود به سادگی توده‌های ستمدیده منطقه را فریب داد و به همین دلیل هم رژیم مزدور جمهوری اسلامی برای بالا بردن توانائی خود در ایجاد انحراف در مبارزات خلقهای منطقه هر روزه در تبلیغات جنمی خود میکوشد به خود لباس ضد اسرائیلی بپوشاند تا بهتر

رژیم بهتر است بقیه گفته‌های خرازی در همین مصاحبه توجه کنیم او به مسلمانانهای منطقه رهنمود میدهد که "هر کسی سرنوشت خودش را بسازد و ظلم را از جامعه خودش دور بکند" ولی تنها نگاهی به همه اجحافات و ظلمهایی که این رژیم ددمنش در حق خلقهای ما روا داشته خود بروشنی، گویای واقعیت همه تبلیغات دروغین این رژیم میباشد رژیمم ما از مبارزه با ظلم در جامعه میزند که خودش در این سالها دهها هزار نفر از توده‌ها و مبارزین ایران را با وحشیانه‌ترین شیوه‌ها نابود ساخته و دهها هزار مبارز را در سیاهچالهای خود محبوس نموده، رژیمی که ۸ سال است به وحشیانه‌ترین شیوه‌ها به سرکوب خلق قهرمان کرد پرداخته حال دم از حق تعیین سرنوشت میزند ولی مگر خلق کسب چه میخواستند و برای چه سلاح گرفته؟ آیا این خلق نیز همانند خلق قهرمان فلسطین و البته در شرایط دیگری خواهان حق تعیین سرنوشت خود نیست؟ چگونه است که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی مبارزات برحق این خلق را در راه کسب حق تعیین سرنوشت خویش وحشیانه سرکوب میکند ولی فریبکارانه خود را مدافع خلق فلسطین در کسب حق تعیین سرنوشت خویش جا میزند!

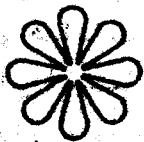
درواقع سلطه ددمنشانه جمهوری اسلامی در این سالها و جنایات و اجحافات که در حق کارگران و زحمتکشان جامعه ما روا داشته خود بروشنی نشاندهنده ماهیت دروغین همه تبلیغات این رژیم میباشد و وظیفه مبارزین است که اساس اعمال جنایتکارانه جمهوری اسلامی و واقعیت تبلیغات این رژیم را برای توده‌های

مروری بر زندگی ۰۰۰۰

از صفحه ۱۸

و احزاب سیاسی در زمانیکه در هیئت مدیره یا کمیسیون بیست و چند نفری که پس از فتح تهران و خلق محمدعلی شاه تشکیل شد و کار اداره کشور را به پیش میبرد و یا در حل تضادهای انقلابیون و اعتدالیون که در مجلس ملی آن دوره پیش آمد و یا در جریان پارک اتابک همواره با حفظ موضع اصولی، رادیکال و انقلابی‌اش با قاطعیت و هوشیاری سعی و کوشش فراوانی داشت تا این تضادها به شکل صحیح و انقلابی حل گردد. و سرانجام در حالیکه در ملاسرای گیلان در نشستهای پیاپی پیرامون چگونگی حل تضادها و مشکلات جنبش گیلان تلاش میورزید، و در پی رفع مسائل و اختلافات ناشی از عملکرد جناحهای مختلف جنبش گیلان یعنی احسان الله خان

ستم‌دیده منطقه آشکار ساخته و اجازه ندهند تا رژیم که وجودش به خون انقلابیون ایران آغشته است با ظاهری فریبکارانه و تحت پوشش اسلام‌گرائی بسه فریب توده‌ها ادامه دهد.



و کمونیستهای طرفدار او از یک طرف و کوچک‌گان و عناصری که او را احاطه کرده بودند از طرف دیگر میکوشید مورد توطئه و دسیسه امپریالیسم و ارتجاع واقع شد و در محاصره مملکت نشست آنها بوسیله سازشکاران محاصره گردیدند. حیدرخان برای شکستن محاصره با شهادت جنگید و سرانجام در حین فرار دستگیر و به زندانی در قریه مسجد پیش برده شد و دیری نگذشت که در زندان گلوله‌هایی که امپریالیسم را شاد میساخت برپیکر این کمونیست بزرگ این دشمن آشتی ناپذیر امپریالیست‌ها و استعمارگران و رهبر جنبش کمونیستی ایران نشست و خون سرخش را در راه انقلاب‌ها هببخش خلقهای ایران برای نیل به سوسیالیسم و کمونیسم جاری ساخت.





x در اعتراض به نقش شوروی در افغانستان مسسده آواز افغانها به کنسولگری شوروی در افغان حمله بسزده و خساراتی به ان وارد ساختند. بر اثر درگیری ای که بیسن پاسداران محافظ کنسولگری و مهاجمین بوجود آمد چندن از پاسداران رژیم مجروح و عده ای از افغانها کشته و زخمی گردیدند. وزارت خارجه شوروی در این رابطه بسسه جمهوری اسلامی اعتراض نموده و

خواهان جبران خسارات وارده به ساختمان کنسولگری خود گردید. x رژیم برای تامین نیروی انسانی مورد نیاز جبهه های جنگ اعلام کرد که: کسانی که از دیماه سال ۶۴ به جبهه ها اعزام شده اند باید ۳ ماه بیشتر از گذشته در جبهه ها باقی بمانند و کسانی که بعلل پزشکی در مناطق غیر عملیاتی هستند میبهرند نیز الزاما بایستد ۶ ماه دیگر در همان مناطق انجام وظیفه نمایند در ضمن به خدمت مشمولین فراری نیز ۲ تا ۶ ماه اضافه خواهد شد.

x رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی تا پایان تیرماه سال ۶۶ حدود ۴۰۰۰ نفر از کارگران معدن شرکت ذغال سنگ البزر مرکزی را روانه جبهه های مرگ نموده که از این تعداد ۷۰۰ نفر کشته و مفقود الاثر گردیده اند.

در شهرهای مهم و مراکز استانها زندانیهای بزرگسی احداث خواهد شد.

x جمهوری اسلامی ضمن اعدام دو نفر به اتهام بمب گذاری در اماکن عمومی بیشرمانسه این بمب گذاریها را بسسه نیروهای مبارز و سازمانهای سیاسی نسبت داد. در حالیکه خلقهای قهرمان ایران بخوبی میدانند که نیروهای انقلابی هرگز در اماکن عمومی بمب گذاری نکرده و نمیکنند و چنین اعمال جنسایتکارانه تنها از ضدانقلابیونی ساخته است که برای رسیدن به اهداف پلیدشان به هر وسیله ای متوسل میگردند.

x روزنامه های آلمان گزارش دادند که دو شرکت آلمانی طی دو سال گذشته ۲۰۰۰ خمپاره و مقدار زیادی تی - ان - تی (T.N.T) و دیگر مواد تخریبی به جمهوری اسلامی فروخته اند.

x همینار استانسداران و هیئت وزیران تصمیم گرفت مالیات مشاغل از ۲/۵ میلیارد تومان به ۵ میلیارد تومان افزایش یابد.

x شرکتسپارزگانی بین المللی که به بررسی هزینه زندگی در ۱۰۲ شهر جهان پرداخته است شهر تهران را بعنوان سومین شهر گران جهان معرفی نموده است.

x موسوی نخست وزیر در ۹ دیماه اعلام کرد: در سال ۶۲ درآمد سرانه ارزی کشور از درآمد نفت ۶۰ دلار بود و اکنون این رقم به ۱۱۰ دلار کاهش یافته و مشاهده میکنیم که از یک چهارم نیز کمتر شده است. x نخست وزیر رژیم در آدیماه در مجلس ضد خلقی اعلام نمود که: ایران تنها هنگامیکه ناچار گردد به تلاح شیمیایی متوسل خواهد شد.

x انصاری رئیس سازمان زندانیهای رژیم اعلام نمود که

x بر اساس نوشته نشریه گاردین جمهوری اسلامی هر ماه بیش از ۵ میلیون دلار در حومه جنوبی بیروت خرج میکند رژیم برای تاثیرگذاری در این منطقه و جذب نیرو برای پیشبرد سیاستهای ارتجاعی اش چند داروخانه، زایشگاه و ۲ بیمارستان احداث نموده و در سوپر مارکت هایی که ایجاد کرده اجناس را ارزانتر از فروشگاههای دیگر بفروش میرساند.

x بگزارش خبرگزاریها دولت فرانسه از بهک دیپلمات جمهوری اسلامی بنام غلامرضا حسینی خواسته است تا خاک فرانسه را ترک نماید.

x دولت نیرو پس از ملاقاتهای مکرر با مقامات جمهوری اسلامی ۸ نفر از پناهندگان سیاسی را به اتهام حمله به سفارت جمهوری اسلامی در نیوز از آن کشور اخراج نمود. پناهندگانی که بر اثر اقدام بیشرمانه دولت نیوز اخراج گردیدند

۴ ماه پیش سفارت جمهوری اسلامی در نیوز را در اعتراض به جنایات این رژیم جنایتکار اشغال کرده بودند.

x بنا به گزارش ماهنامه عفو بین الملل که در ژوئیه ۱۹۸۷ منتشر گردیده است طرف ۶ ماه گذشته بیش از ۴۰۰ تن از پناهندگان ایرانی توسط دولت ترکیه به جمهوری اسلامی تحویل داده شده اند.

x دولت یوگسلاوی ۸ نفر از اوارگان ایرانی را که قصد پناهندگی به کانادا را داشتند از کشورش اخراج کرد. این اوارگان اعلام کردند در صورتیکه به جمهوری اسلامی تحویل داده شوند دست به خودکشی خواهند زد.

x دولت اسپانیا که بسیار پذیرش ۵ نفر از اوارگان ایرانی که خواستار پناهندگی بودند مخالفت میورزید مجبور به پذیرش این امر گردید. دو تن از پنج نفر پناهجوی مزبور که از سوی دولت اسپانیا هم تقاضای پناهندگی آنها رد شده بود اعلام کرده بودند که در صورت عدم پذیرش پناهندگی شان خودکشی خواهند کرد.

بیشترگان خلق کردیه این روستا مورد ضرب و شتم قرار دادند.

x در پایگاههای رژیم در بیوران و درمان اوا واقع در منطقه سردشت دوسریاز در اعتراض به اضافه شدن ۴ ماه به دوره خدمت سربازی دست به خودکشی زدند. طبق خبر دیگری در اواسط آبانماه نیز یکی از سربازان پایگاه زرگه سردشت که بنا درخواست مرخصی او مخالفت شده بود بدون توجه به این امر قصد خروج از پایگاه را

اداره به اصطلاح امور مهاجرین مراجعه نموده و دست به یک تجمع اعتراضی زدند. سپس اهالی مبارز دو روستای مزبور جهت اعتراض به فرمانداری و بخشداری رفتند. که بر اثر مقاومت و اعتراضات یکباره ورستائیان فرماندار مزدور با درماندگی به آنها قول داد که کمک هزینه اوارگیشان را پرداخت خواهد نمود.

x جاشهای خود فروخته اهالی زحمتکش روستای گولان در منطقه سردشت را بیبانه تسرد



سردشت

x مهاجرین دو روستای دولگان و بیتوش که بر اساس اعمال سرکوبگران رژیم به اردوگاههای سلاسل مربوط سردشت و روستای قولته منتقل شده اند جهت دریافت کمک هزینه اوارگی شان

موی پر جنگ اسپریا ایستی برقرار باد صلیبی دیکراتیک

مریوان

دافت که مزدوران رژیم بهانه سرپیچی از فرمان مافوق بسوی شهراندازی نموده و اورا مجروح ساختند.

+ رژیم با احداث یک جاساه نظامی دیگر از روستای گلکنر به قاسم رش در منطقه سردشت به بخش وسیعی از مسسزارع زحمتگشان خسارات قابل توجهی وارد ساخت.

+ عوامل سرکوبگر جمهوری اسلامی روز ۱۸ دی ماه در داملمه ۲۰ کیلومتری شهر سردشت ۱۴ نفر از جوانان را برای اعزام به جبهه‌های مرگ دستگیر کرده و روز بعد با دستهای بسته آنها را سوار ماشین کرده و قصد داشتند به بنادگانهای آموزشی اعزام نمایند. اما عده زینلادی از مردم مبارز شهر سردشت جهت آزادی جوانان دستگیر شده با مزدوران درگیر شده و در نتیجه ۱۰ نفر از دستگیر شدگان موفق به فرار از چنگ شکارچیان انسان میگردند.

دیواندره

x اخیرا در شهر دیواندره مزدوران رژیم در راهبای برتردد مستقر شده و از هر عابری که قصد عبور از آن نقطه را داشته باشد بعنوان عواری و تامین مخارج جنگ مبلغ یک تومان باج میگیرند.

سنندج

x دست اندرکاران رژیم در شهر سنندج به بهانه جهاد مالی به رانندگان تاکسی گفته اند که باید نفی ۱۰ هزار تومان بپردازند چه در غیر این صورت روانه جبهه‌ها خواهند شد.

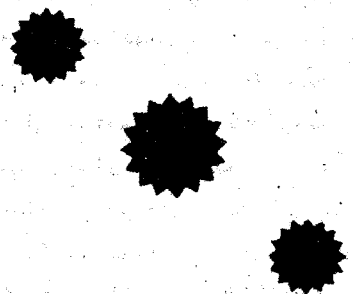
x نزدیک به یکماه است که رژیم در رابطه با تبلیغ روی جنگ با عراق نمایشگاهی در خیابان شاهپور سنندج به راه انداخته است. این امر با اعتراض اهالی و پیوزه کسبه خیابان شاهپور مواجه گردیده است.

x مسئولین آموزش و پرورش شهر سنندج به دانش اموزان مدارس ابتدائی این شهر گفته اند که بایستی هر روز یک تومان برای کمک به جبهه‌ها بپردازند. دانش اموزان راهنماش و دبیرستان نیز هر هفته ۲۰ تومان باید بپردازند.

x سر شرایطی که جمهوری اسلامی در تبلیغات خود از سیل نیروهای داوطلب جنگ سخن میگوید مزدوران رژیم برای شکار جوانان در اوائل آذرماه شهر مریوان و شهرکها و روستاهای اطراف آنرا وسیعاً مورد یورش خود قرار داده و به دستگیری جوانان پرداختند این امر با اعتراض اهالی مواجه گردید و در شهرک کاندین سنندج مزدوران برای درهم شکستن مقاومت اهالی بسوی انسان نیرواندازی نمودند که باعث مجروح شدن عده ای گردید. پس از این درگیری مزدوران جمهوری اسلامی چند دستگاه ماشین شخصی را نیز سرق نموده و با خود بردند.

بیرانشهر

x در جریان حمله هواپیماهای عراقی به کارخانه قند بیرانشهر ۲ نفر کشته و ۲۰ نفر زخمی گردیدند. بحباران مناطق مسکونی که نتیجه ان جزکشتار مردم بی دفاع ندارد یکی از وحشیانه ترین تاکتیکها در جنگ امپریالیستی ایران و عراق میباشد.



زنده باد خلق رزمنده کرده برای آزادی میجنگد



x در ۶ دیماه به گروه مبارز
چپ هندی ۸ تن از مقامات
دولت هندوستان را در ایالت
اندراپراوس به گروگان گرفته و
به جنگلهای منطقه بردند .
و در ازای آزادی آنها
خواستار آزادی ۸ نفر از رفقای
زندانی خود شدند . دولستان

هندوستان سرانجام مجبور به
پذیرش شرط مزبور گردیده و
زندانی سیاسی را آزاد نمود .
x در قرارگاه پلیس در شهر
زارکوزا در شمال اسپانیا
مجموعی منفجر گردید که بر اساس
۹ پلیس کشته و حدود ۲۰
تن زخمی گردیدند .

است . مبارزه مسلحانه تنها راه حل مشکل ماست .
آنها در ضمن دولت پاکستان را بخاطر
اینکه دستگاه اطلاعاتی کشور از سرویس اطلاعات
امریکا دستور میگیرد و بخاطر آنکه در جریان
بازجویی تحت شکنجه قرار گرفته اند ، محکوم
نمودند و گفتند که ضیاءالحق که خود را یک
رهبر مسلمان میخواند در سال ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ در
جریان یورش نیروهای سرکوبگر اردن به خلق
فلسطین در ارتش اردن خدمت میکرده و در کشتار
آنان فعالانه شرکت داشته است .

محاکمه ۵ فلسطینی تا چند هفته دیگر
ادامه خواهد داشت .

* - تمادهای درونی هیئت حاکمه ضد خلقی اسرائیل
بر سر نحوه و چگونگی سرکوب مبارزات خلق دلاور
فلسطین در حال اوجگیری است . طبق گزارشات
منتشره عده ای در کابینه اسرائیل خواستار
اخراج سریع فلسطینیان مبارز که در نزد آنان
خرابکار نامیده میشوند ، شده اند . عده ای
دیگر خواهان زندگی مسالمت آمیز دولت اسرائیل
و فلسطینی در کنار یکدیگر هستند . عده ای
دیگر که هر یک از جناحهای حاکم ، دشمن سرسخت
خلق قهرمان فلسطین میباشد و بحث و جدلهای
فوق نه به منظور قائل شدن حق تعیین سرنوشت
برای خلق فلسطین یا دلسوزی برای آنها بلکه
بفقط منحرف ساختن مسیر مبارزات این خلق
هورت میگیرد . بعلاوه وجود گرایشات مختلف در
کابینه اسرائیل نشان دهنده اوجگیری مبارزات و
مقاومت توده های ستمدیده فلسطینی میباشد .

* - علیرغم سرکوب وحشیانه خلق قهرمان فلسطین
توسط ایادی امپریالیسم در منطقه آتش مبارزات
خلق فلسطین همچنان در حال شعله ور شدن است .
روز بیستم دیماه در شرق اورشلیم شیرزنان
فلسطینی دست به یک راهپیمائی زدند . در این
تظاهرات زنان دلاور فلسطینی با حمله به
نیروهای سرکوبگر سه نفر از آنها را مجروح
ساختند . در جریان راهپیمائی فوق بوزده نفر
از زنان توسط نیروهای ضد خلقی و مزدور
اسرائیل دستگیر شدند .

تظاهرات و مبارزات خلق رزمنده فلسطین
همچنان رو به اوج بوده و در طی دوماهه اخیر
حدود ۶۰ فلسطینی در راه تحقق آرمانهای خلق
خویش به دست نیروهای سرکوبگر اسرائیل به
شهادت رسیدند .

* محاکمه پنج فلسطینی که دوسال پیش در
رابطه با ربودن یک هواپیمای جنب و جت مورد
حمله وحشیانه نیروهای مزدور پاکستانی در
فرودگاه کراچی واقع شدند در پاکستان آغاز
گردید . مبارزین فلسطینی در دادگاه گفتند که
هواپیمارا بخاطر آزاد کردن ۱۵۰۰ زندانی سیاسی
که در زندانهای اسرائیل اسیرند ، ربوده اند .

در دفاعیه ۷۰ صفحه ای آنان که توسط
وکیل مدافعشان قرائت گردید ، مبارزین فلسطینی
ضمن افشای سیاستهای جنایتکارانه امریکا و
اسرائیل در اشاره به قتل عام فلسطینیان در دو
اردوگاه پناهندگان در بیروت در سال ۸۲ گفتند :
ما فرزندان صبرا و شتیلا هستیم ، و جز متوسل
شدن به اسلحه ، راه دیگری برای ما باقی نماند .

پیش بسوی تشکیل ارتش خلق

x اخیراً ۳۳ اقتصاددان معروف جهان از ۱۳ کشور مختلف به مسافرت به ایران آمده‌اند. این دولت‌های صنعتی جهان بویژه کشورهای صنعتی بزرگ، خواستار گردیدند تا برای جلوگیری از بروز رکود اقتصادی بین المللی هر چه زودتر دست به کار شوند.

x بانک جهانی اعلام نموده است که در سال ۱۹۸۵ مقدار بار بار پرداخت کشورهای تحت سلطه ۲۴ میلیارد دلار بیشتر از اعتبارها و وامهای تازه دریافت شده از کشورهای امپریالیستی میباشد در همین رابطه اعلام شده که کشورهای تحت سلطه در سال گذشته ۵۴ میلیارد و ۵۰۰۰۰۰ دلار بعنوان بهره بانکی به بانک جهانی که کشورهای امپریالیستی نقش عمده را در آن دارند پرداخت کرده اند.

x بر اساس گزارش خبرگزاریها هر سال به میزان ۱۲۰ تا ۱۴۰ میلیارد دلار از کشورهای تحت سلطه نصیب کشورهای امپریالیستی غرب میگردد.

x بر اساس این گزارش سود حاصل از سرمایه گذار بهای دول سرمایه داری در کشورهای تحت سلطه سه برابر سرمایه انبساط در اعلام شده که انحصار است امپریالیستی بابت هر دلاری که در کشورهای تحت سلطه سرمایه

گذاری کرده اند ۴ تا ۵ دلار سود خالص به جیب زده اند.

x با افزایش ۱٪ به شرح بهره بانکی در کشورهای امپریالیستی به کار بهای کشورهای تحت سلطه امریکای لاتین ۲ میلیارد دلار افزایش یافته است.

x کارگران و کارمندان بزرگترین شرکت های ایتالیای برای کمتر شدن ساعت کار و بهبود شرایط کار دست به اعتصاب زدند.

x بیکه سرگرد مزدور فیلیپین بوسیله مبارزین این کشور در نزدیکی پایگاه امریکایی کلارک به ضرب گلوله از پای درآمد.

x در سال ۱۹۸۷ تنهادر امریکا ۱۷۲ بانک اعلان ورشکستگی کردند بدنبال بحران نظام امپریالیستی روز سوم دسامبر ۹ بانک بازرگانی در امریکا اعلام ورشکستگی نمودند شایان ذکر است که این ورشکستگیها در مقایسه با بحران امریکا در ۱۹۲۹ بی سابقه بوده است.

x اخیراً امریکا و شوروی به یک عملیات مشترک در خلیج فارس مبادرت نمودند. یکی از مقامات امریکا که خبر مزبور را اعلام نموده است گفت که به درخواست شوروی یک رزمی و امریکایی و یک مین یاب شوروی در عملیات مین رویی

شرکت کردند.

x یکی از مقامات شوروی اعلام کرد که به اعتقاد دولت شوروی طرح تحریم تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی برای وادار ساختن آن کشور به پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت اقدامی عجولانه است و هنوز نباید به دولت ایران فرصت بیشتری داده شود.

x روزنامه وولانتسبورگ دیکنس چاپ آفریقای جنوبی گزارش داد که طی هفته اخیر آفریقا ۱۱۱ نفر به اتهام شرکت در فعالیت های سیاسی اعدام گردیده اند.

x روزنامه مینوید در طول سال جاری ۱۶۴ نفر اعدام شده اند که بالاترین رقم از سال ۱۹۷۱ تا کنون میباشد.

x بر اساس گزارش خبرگزاریها امپریالیستهای امریکایی ۳۵۰ پایگاه و تاسیسات نظامی و بیش از ۵۰۰ هزار سرباز در حوزه اقیانوس آرام مستقر نموده اند.

x خبرگزاری ایتالیا خبر داد که کارکنان و خلبانان خطوط هوایی داخلی فرانسه بمنظور افزایش دستمزد خود دست به اعتصاب زدند.

x بیش از چهار هزار کارگر یکی از معادن طلا بوزیل به

پیش بسوی سازماندهی مسلح توده ها

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم

شماره ۱۷ - دی ۶۶

منظور بسمه و بهبود شرایط کار و افزایش دستمزد خود به تظاهرات مبارزانه کردند که پلیس جنایتکار برزیل برای متفرق کردن کارگران به روی آنها آتش گشوده و در نتیجه ۵ نفر کشته و عده زیادی مجروح گردیدند.

x کارگران کارخانه فولادریزی در دوزبورگ گریه های بی پایان غریبی در اعتراض به اخراج دسته جمعی کارگران و تعطیلی کارخانه دست به اعتصاب زدند. در صورت تعطیل این کارخانه حدود ۵۰۰۰ کارگر کار خود را از دست میدهند.

x مبارزین کارن آ گردان از ارتش سرکوبگر برمه را به کمین خود انداخته و تعدادی از مزدوران دشمن را که به فرمانده گردان نیز در میان آنها دیده میشد را به تلاکست رساندند. دولت مزدور برمه برای سرکوب این مبارزین حدود ۷۰۰۰ نفر از نیروهای نظامی خود را به مناطق تحت نفوذ آنها گسیل داشته است.

x پلیس مزدور سری لانکا به تلافی به تلاکست رساندن پلیس توسط مبارزین این کشور عده ای از مردم زحمتکش شهر باتی کالوا را در بازار این شهر به زنجیر بست که باعث کشته شدن بیش از ۲۶ نفر گردید. نیروهای پلیس در همان حال تعدادی از مبارزهای شهر را نیز به آتش کشیدند.

کمکهای مالی

کردستان

- بارمه تی خلق کرد ۱۰۰۰ ریال
- بارمه تی جنگاور کرد ۵۰۰۰ ریال
- بیشمرگه ۲۱۰۰ ریال
- احمد ۴۹۰۰۰ ریال
- بارمه تی خلق کرد ۱۰۰۰ ریال
- بارمه تی خلق کرد ۱۰۰۰ ریال
- بیشمرگه خلق کرد ۲۱۰۰ ریال
- بارمه تی خلق کرد ۱۰۰۰ ریال

سوئد

سازمان هواداران سوئد

۱۰۰ کرون رفیق عبدالحمین عثمانی

۱۰۰ کرون انگلستان

انگلستان

رفیق پویان ۵۰ پوند

رفیق م. آ. ایتالیا ۵۰ پوند

ایتالیا

مجمع دانشجویان ایرانی در ایتالیا (هواداران چریکهای فدائی خلق ایران) ۱۰۰۰ دلار هلند

کزال - لاهه ۱۰۰ گیلدن

رفیق سیمادریائی - دلفست ۲۰ گیلدن

رفیق بیرونظیری - امستردام ۲۰ گیلدن

پیام فدائی - امستردام

۲۰ گیلدن آمریکا

آمریکا

رفیق شهید حسین رکنی نیویورک ۱۰ دلار

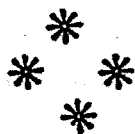
نیویورک

- الف - نیویورک ۲۰۰ دلار
- پویان - نیویورک ۲۰۰ دلار
- صمدی پورنگی - میامی ۲۰۰ دلار
- جمشید هدایتی - اوهایو ۲۰ دلار
- سلیمان میریلوک - اوهایو
- کلیک بهرام - پنسیلوانیا
- بهمن - ایلینویز ۱۴۰ دلار
- سیاهکل - ال ایس ۳۰ دلار
- پرنظامه عیادت - ال ایس ۳۰ دلار
- م - نیویورک ۷۰ دلار
- داداش (عبدالله) - واشنگتن
- بلشویک ۳ - ال ایس ۲۰ دلار
- بلشویک ۴ - ال ایس ۴۰ دلار
- جمشید هدایتی - نیویورک ۵۰ دلار
- بابک - نیویورک ۵۰ دلار
- سلیمان میریلوک میامی ۱۰۰ دلار
- رفیق مادر - اوهایو ۵۰ دلار
- رفیق ع - آمریکا ۲۰ گیلدن
- آلمان
- طاج ۵۰ مارک
- بابک ۵۰ مارک
- رفقا احمدزاده پویان ۲۵ مارک
- همسایه ۲۵ مارک
- رفیق پویان ۲۰ مارک
- شروین هانور ۸۰ مارک
- شروین المان ۱۰۰ مارک
- شروین المان ۱۰۰ مارک
- اسماعیل هادیان - اشتورنگارت
- ۲۰۰ مارک
- اشرف دهقانی - مونستر
- ۲۰۰ مارک
- کاظم (رفیق افغانی) ۱۰ مارک



روزشمار دیمشاه

- ۱۰/۵ / تولد رفیق مائوتسه دون (۱۸۹۳)
- ۱۰/۵ / شهادت رفیق حیدر عمراوغلو
- ۵۷/۱۰/۹ / کشتار مردم شهید به دست ایادی مزدور شاه
- ۱۰/۱۱ / آغاز مبارزه مسلحانه خلق فلسطین (۱۹۶۵)
- ۱۰/۱۱ / سالروز انقلاب کوبا (۱۹۵۹)
- ۵۸/۱۰/۱۲ / تحصن مردم سنندج
- ۱۳۳۸/۱۰/۱۶ / درگذشت نیمسا بوشیج
- ۴۶/۱۰/۱۷ / شهادت جهانبان بهلوان تختی
- ۱۰/۱۹ / کشتار کارگران پتروگراد (۱۹۰۵)
- ۱۰/۲۷ / شهادت پاتریست لومومبا (۱۹۶۱)
- ۵۷/۱۰/۲۶ / فرار شاه مزدور
- ۵۷/۱۰/۳۰ / آزادی آخرین دسته از زندانیان سیاسی رژیم شاه



"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه منافع خلق قهرمانانه فدا کرده اند، بگذار درفش آنها را برافرازیم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است، به پیش رویم!"
(مائوتسه دون)



شهدای دیمشاه

چریکهای فدائی خلق ایران

رفقا :

- | | | | |
|---------------------|----------|--------------------|----------|
| عبدالصمد بازماندگان | ۶۰/۱۰/۲۴ | مرتضی حاج شفیعپا | ۵۴/۱۰/۶ |
| منصور بنازاده | ۶۰/۱۰/۲۴ | مرتضی احمدی | ۵۰/۱۰/۶ |
| پرویز شانگی پور | ۶۰/۱۰/۲۴ | حسین محمودیان | ۵۰/۱۰/۶ |
| حسین مکرانی | ۶۰/۱۰/۲۴ | حسن نوروزی | ۵۲/۱۰/۲۰ |
| موسی اباد | ۶۱/۱۰/۱۲ | فاطمه حسن پوراصیل | ۵۴/۱۰/۱۸ |
| | | فاطمه (شمسی) نهانی | ۵۴/۱۰/۲۱ |
| | | مسرور قهرنگ | ۵۴/۱۰/۱۹ |
| | | بهمن روحی اهنگران | ۵۴/۱۰/۲۷ |
| | | خدا بخش شالی | ۵۵/۱۰/۲۵ |
| | | فتح الله کریمی | ۵۷/۱۰/۵ |
| | | فرهاد رادور | ۶۰/۱۰/۷ |
| | | محمد سیدی | ۶۰/۱۰/۷ |



هر چه برافراشته تری باد پرچم خونین چریکهای فدائی خلق

راه کارگر زیر پوشش شعار جبهه در صدد ائتلاف با چه کسانی است؟

(قسمت سوم)



مروری بر زندگی

سراسر حماسه رفیق حیدر عمو اوغلو

رفیق حیدر عمو اوغلو در سال ۱۸۸۵ میلادی برابر با ۱۲۹۵ شمسی در شهر ارومیه متولد شد. در ۶ سالگی به همراه خانواده اش به روسیه مهاجرت کرد و در شهر الکساندروپول با نام خانوادگی تازی وردیف اقامت گزید. در آن شهر دوره دبستان را به اتمام رساند و در ایروان با اخذ مدال طلا دوره دبیرستان را به پایان برد. و در همین زمان بنا به یادداشت های خودش در محفل مارکسیستی آما یاک آوانسیان که با زرس دبیرستان بود، به مطالعه متون مارکسیستی و از جمله کاپیتال مارکس پرداخت. در صفحه ۱۷

"وحدت منافع" ای وجود ندارد. دعوت به اتحاد، بدون تعیین هدف آن، بدون آنکه معلوم باشد متحدین از مبارزه مشترک خود بر علیه دشمن مشترک (رژیم جمهوری اسلامی) چه هدف اثباتی مشترکی را تعقیب میکنند از ابداعاتی است که فقط از راه کارگر ساخته بوده است. (*)

وحدت اراده نیروهای مختلف در امر براندازی رژیم جمهوری اسلامی تنها زمانی مقدور است که آنها دارای منافع واحدی در استقرار نظام سیاسی معینی باشند، والا اتحادی صورت نخواهد گرفت و در این صورت از "وحدت اراده" نیز سخنی نمیتوان گفت چرا که

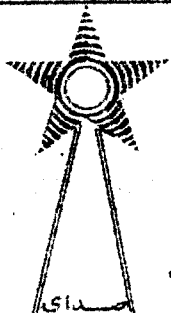
را جایگزین حکومت قدیمی که باید سرنگون شود بنماید" اما راه کارگر که بخوبی میداند پذیرش این آموزش لنین چه دردسرهایی برایش بوجود خواهد آورد، با مسکوت گذاشتن ماهیت طبقاتی حکومت جایگزین برای بدست آوردن دل "لیبرالها" و در در صفحه ۹

* - لنین آموزگار کبیر پرولتاریا در کتاب "دو تاکتیک سوسیال دمکراسی در انقلاب دمکراتیک" تاکید میکند که: "حزبی که هدف و منظور خود را سرنگون ساختن حکومت قرار داده است ناگزیر باید در فکر این باشد که چگونه حکومتی

با کمکهای مالی خود
جریکهای فدایی خلق ایران
را یاری رسانند

در تکثیر آثار سازمانی بکوشید

برای تماس با جریکهای فدایی خلق ایران
با نشانی های زیر مکاتبه کنید:



ساعات پخش:
۹ شب و
۵ صبح و ۱۲ ظهر روز بعد
ردیف ۷۵ متر
صدای
جریکهای فدایی خلق ایران

فرانسه

F.S
B.P-181
75623 PARIS
CEDEX 13
FRANCE

انگلستان

BM BOX 5051
LONDON
WC1N 3XX
ENGLAND

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!